

بسمه تعالی

صفحه اول

فصلنامه علمی، فرهنگی، آموزشی ترنم اندیشه

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله

مدیر مسئول: زهرا رحمتی

سردبیر: ناهید سلیمانی مقدم

اعضای تحریریه: فاطمه سادات ارفع: دکترای زبان و ادبیات عرب

اکرم باسزا: طلبه سطح چهار فقه و اصول

زهرا رحمتی: دانشجوی دکتری مدرسی معارف

مریم گلچین: سطح سه حوزه علمیه

طراح جلد و صفحه آرا: الناز سلیمانی

نشانی: خیابان جمهوری، خیابان جمالزاده جنوبی، کوچه آیرم، پلاک ۱۹، طبقه دوم

تلفن: ۶۶۹۲۸۲۵۱ دورنگار: ۶۶۹۲۷۰۲۵ Email:school.valiasr@yahoo.com

مقالاتی که برای چاپ در فصلنامه پذیرفته خواهد شد که دارای چکیده، کلید واژه، مقدمه و نتیجه باشند.

مقالات باید روی یک صفحه a4 به همراه cd در محیط word باشند حتی المقدور چکیده مقاله به زبان

دیگری (عربی یا انگلیسی) در انتها آورده شود. فصلنامه در ویرایش مطالب آزاد است. مقالات دریافتی

مسترد نمی‌شود. دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات صرفاً نشانگر نظر نویسندگان می‌باشد.

بسمه تعالی

فصلنامه ۱۲

سخن سردبیر

دوستان سلام طبق قرار قبلی باید در باره حضرت زهرا سلام الله علیها گفته شود، در این نوبت نیز یکی از گفته‌های ایشان برایتان بیان می‌شود:

« من اصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله عز وجل له افضل مصلحته »

(کسیکه خالص‌ترین عبادتش را برای خدا عرضه کند، خدا برترین مصلحتش را برای او ایجاد می‌کند).  
(بحار، ج ۶۷، ص ۲۴۹، ح ۲۵) کسی که خالص عبادتش را به طرف خداوند بالا ببرد خدا بهترین مصلحتش را برای او نازل می‌کند).

در این کلام دو مطلب را باید در نظر گرفت:

۱- عبادت خالصانه ۲- برترین مصلحت‌ها.

قران عبادت را دلیل خلقت جن و انس می‌داند «ذاریات/۵۶» (ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون) در تفسیر ابن عربی شناخت مقدمه‌ی عبادت قرار گرفته است، زیرا عبادت به اندازه‌ی معرفت و شناخت می‌باشد و کسی که شناخت نداشته باشد نمی‌تواند عبادت کند، همانطور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید لم اعبد رباً لم اره پس «ليعبدونی» در آیه، به معنای ليعرفونی است.

عبادت به معنای در خدمت بودن و مطابق نظرات مولی عمل کردن است و کسی می‌تواند عبد باشد که مولایی داشته باشد و داشتن مولی به نحوی که بتوان از او تبعیت کرد وقتی محقق می‌شود که برای تبعیت شناخت لازم دارد و باید هدفی را دنبال کند، بنا بر این کسی که در زندگی برای خودش هدفی برنگزیده است نمی‌تواند مولایی را برای خود انتخاب کند، کسی که بتواند به او اعتماد کند، در سختی‌ها بر او تکیه زند و دین و دنیای خود را به دست او بسپارد.

عبادت یک عملی است که شخص عابد انجام می‌دهد و خود را در خدمت مولایش قرار می‌دهد.

در این روایت از ایجاد عبادت خالصانه صحبت به میان آمده، کسی که هدف خود را کمال انسانی قرار داده است و برای رسیدن به این کمال از تمام مظاهر نقص و بدی و شر دوری می‌کند و خود را هماهنگ با نظام عالم، رنگ خدایی می‌زند، خود را خالصانه در خدمت الله تعالی قرار داده، زندگی، اعمال، رفتار، ظاهر و باطنش را مطابق عقل و شرع قرار می‌دهد بدون آن قلت و گیر و داری عبادت خالصانه‌ی خود را به محضر خداوند تقدیم می‌کند، چنین کسی را خداوند سرپرستی نموده و بهترین مصلحت‌ها را برای او پیش می‌آورد او خود را در اختیار خدا قرار می‌دهد و خدا هم برای او بهترین چیزی را که می‌خواهد عرضه می‌کند.

گاهی ظاهر چیزی به نظر ما درست است اما اگر در جایگاه کسی قرار بگیریم که از قبل و بعد این کار خبر دارد و از عکس العمل‌ها مطلع است و می‌داند در شرایط مختلف چه تصمیمی گرفته می‌شود و این تصمیم چه عاقبتی را به دنبال دارد(البته این کلام مناسب با تفکری است که خدا را عالم و حکیم مطلق می‌داند و الا کسی که اصلاً خدایی را قبول ندارد یا برای خدا علم مطلق ازلی و ابدی قرار نمی‌دهد از درک این حدیث عاجز است، یعنی اول باید برای او ثابت شود خدایی هست، خدایی که عالم مطلق است و کار را به مصلحت انجام می‌دهد بعد اثبات شود که این خدا علیم و حکیم مطلق است و کار به مصلحت انجام می‌دهد.) بعید نیست که آنچه در ابتدا خوب به نظر می‌رسد وقتی همه‌ی جوانب آن در نظر گرفته شود نه تنها خوب بودن آن از بین می‌رود بلکه بد بودن یا شر بودن آن قطعی می‌گردد. پس کسی که خالص عبادت، معرفت، شناخت و عمل صالح خود را به خدا عرضه کند خداوند هم بر مبنای علم مطلق، ازلی و بی‌نهایتش بهترین مصلحت را برایش نازل می‌کند تا او را به کمالی که برایش زحمت کشیده برساند و از نقصی که از آن روگردان است جدا کند.

از خدا می‌خواهیم توفیق عمل خالص و عبادت مخلصانه را نصیب ما بگرداند.

## عید فطر

در روایات داریم که شب عید فطر کمتر از شب قدر نیست، کمتر نیست یعنی از نظر اثرش بر اعمال ما کمتر از شب قدر نیست، یعنی آثاری که در شب قدر بر اعمال ما مترتب می‌شود، چه بسا همان آثار در عید فطر هم بر اعمال ما مترتب می‌شود. من جمله از اعمال ما «دعا» است یعنی شب عید فطر هم مثل شب قدر در اجابت دعا اثر دارد.

آیت الله حاج آقا مجتبی تهران‌ی ره

عید توفیق بندگی خدا و غلبه بر شیطان مبارک باد

## عید قربان

ای عزیزان یه شما هدیه به یزدان آمد

عید فرخنده‌ی نورانی قربان آمد

حاجیان سعی شما شد به حقیقت مقبول

رحمت واسعه‌ی حضرت سبحان آمد

## عید غدیر

نازد به خودش خدا که حیدر آمد

دریای فضایی مطهر دارد

همتای علی نخواهد آمد والله

صد بار اگر کعبه ترک بردارد

حلول عید ولایت و امامت را به شکرانه تکمیل دین و تتمیم نعمت همگان با عرشیان و فرشیان است، محضر شما و همه شیعیان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

نقش زن در ایجاد آرامش همسراز منظر دین و روانشناسی

پژوهشگر: مرضیه کرات

چکیده

گرچه بشر متمدن در سایه علم و دانش و به کارگیری نیروهای مختلف طبیعت توانسته است بر بسیاری از مشکلات خود فائق آید، ولی نمی‌توان منکر این حقیقت شد که به تناسب رشد روزافزون علوم بشری نیاز انسان به آرامش درونی و اطمینان نفس همراه با آسودگی روح و روان بیشتر شده است. مهم‌ترین نهادی که تأمین این هدف را بر عهده دارد محیط امن خانواده می‌باشد و محور اصلی تأمین‌کننده آرامش روحی و روانی توسط زن شکل می‌گیرد که در متون اسلامی هم به این امر توجه شده است.

این نقش آفرینی در جهت خلق آرامش، علاوه بر قرآن و کلام اهل بیت (علیهم السلام) در روان‌شناسی نیز تجلّی می‌کند و نقش زن در خانه را، سازنده‌ی مجدد شخصیت، توانایی و کارایی و آرامش روحی و روانی مرد معرفی می‌نماید که راهکارهای لازم برای این هدف، تبیین شده است. مطالب این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای تنظیم گردیده است.

یکی از نیازهای اساسی بشر، ایجاد امنیت و آرامش است که سبب آرامش قلب و اطمینان خاطر است و عدم تأمین امنیت به اضطراب و فشار روانی می‌انجامد.

آموزه‌های دینی زن را مایه آرامش و انس همسر معرفی کرده است که با خلقت و جودی او هماهنگی کامل دارد و تأمین‌کننده امنیت و آسایش روحی و روانی همسر می‌باشد.

زنان با استفاده از مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیر کلامی برای خلق آرامش در فضای خانواده با حفظ و تکریم شئون اعضای خانواده که قوامیت و اقتدار مرد آن را تبیین می‌کند می‌توانند زندگی فعال و پر نشاطی را مهیا کنند.

انسان به دلیل فطرت کمالجوی خود همواره در صدد پیشرفت و دست‌یابی به نقطه‌ی اوج بوده و در هر مرحله از مراحل نیز عطش او افزایش یافته است و جز این نیست که به منظور برخورداری از هر مرتبه نیازمند بسترسازی مناسب است. یکی از عوامل کلیدی که نقش مؤثری در زمینه‌سازی برای نیل به سعادت دنیا و آخرت را داراست آرامش است، خداوند نیز در قرآن ضمن بازشناسی ابعاد مختلف این عامل آن را در تشکیل خانواده اصل دانسته است و روان‌شناسان نیز آرامش را هدف ذاتی و نهایی قرار داده‌اند. نظام خانواده به تناسب روحيات و توان زن و مرد برنامه‌ریزی می‌شود. یکی از وظایف مهم بانوان تعدیل عواطف و مهیا کردن فضای آرام و باصفا در میان خانه است. زیرا بانوان به لحاظ لطافت و حساسیت روح، مسئول تنظیم آرامش و صفای خانواده می‌باشند.

تلاش و کوشش پژوهشگر بر این مبنا صورت گرفته است که با بهره‌گیری از تفاسیر قرآن و منابع حدیثی معتبر و کتب روان‌شناسی، دیدگاه اسلام و روان‌شناسی در زمینه آرامش و نقش زن در افزایش آن را مورد بررسی قرار دهد.

دین اسلام به موضوع آرامش در سطحی گسترده و قابل تأمل پرداخته و بسیاری از آموزه‌های اسلامی به آن اختصاص یافته است. در قرآن کریم نیز با نگرش سیستمی و دقیق، مورد تحلیل قرار گرفته است.

در روان‌شناسی نیز، آرامش را هدف ذاتی و نهایی دانسته‌اند. حال به مفهوم آرامش و نقش آن در خانواده خواهیم پرداخت.

#### ۱- معنای لغوی آرامش

آرامش در لغت به معنای سکن، سکون است که معنای « *یدل علی خلاف الاضطراب و الحركة* » ( مصطفوی ، ۱۳۶۰ ش ، ج ۵ ، ص ۱۶۲ ) که برخلاف اضطراب و حرکت دلالت می‌کند. « *انما ذکر*

الساکن دون المتحرک» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۶۵) ذکر کلمه‌ی ساکن یعنی چیزی که در حال حرکت نیست.

راغب اصفهانی در مورد معنی سکن می‌نویسد: «السکن: السکون و ما یسکن الیه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ص ۴۱۷) آرامش یافتن و هر چیزی که موجب آرامش است و نیز «سکن» به معنی آتشی است که به وسیله‌ی آن آرامش می‌یابند که بدان جهت اطراف آن استراحت می‌کنند و با آن گرم می‌شوند. السکون: «ثبوت الشیء، بعد تحرک و ضد الحركة» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ق، ج ۱۳، ص ۲۱۱) ایستادن و ثابت شدن چیزی بعد از حرکت و برخلاف حرکت کردن. «سکون» آرام گرفتن بعد از حرکت نیز معنی شده است. (قرشی، ۱۳۷۱، ق، ج ۳، ص ۲۸۲)

«سکینه»: آرامش قلب و اطمینان خاطر است که سبب ثبات و آرامش ظاهر می‌شود که صفت مشبهه از ماده سکون به معنی وقار، نه سکون پیش از حرکت است. (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ش، ج ۱۶، ص ۲۹۱)

و در زبان فارسی کلمه «سکن» به این معانی آمده است: تسکین دهنده، آرام کننده، دارویی که موجب آرامش و تخفیف آرام روحی یا جسمی می‌شود. (معین، ۱۳۸۷، ص ۸۷۴) آرامش به معنی آرامیدن، فراغت، آسایش، طمأنینه، سکینه، ایمنی و امنیت آمده و امنیت به معنی ایمن شدن و در امان بودن است. (معین، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰)

## ۲- تعریف اصطلاحی آرامش

آرامش حالتی نفسانی همراه با آسودگی و ثبات است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۳) آسودگی روح و روان، آرام گرفتن و راضی شدن (سیدا، ۱۳۸۷، ص ۸) و عبارت است از اطمینان نفس و سکون در گفتار، کردار، حرکات و سکناات. (نراقی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲)

در اصطلاح علم روان‌شناسی، معانی مختلفی برای آرامش اطلاق می‌شود که به چند مورد از آنها

اشاره می‌گردد:

مزلو می‌گوید: « اگر نیازهای فیزیولوژیک (گرسنگی و تشنگی و ...) خوب ارضا شوند، مجموعه جدیدی از نیازها پدید می‌آیند که می‌توانیم آنها را به طور کلی در شمار نیازهای ایمنی جای دهیم،

نشانه‌های احساس امنیت و ثبات عبارت است از: امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از

ترس و نگرانی و آشفتگی، نیاز به نظم و ... » (مزلو، ۱۳۷۲، ص ۷۴)

آرامش در واقع حالتی از فراغ بال و احساس راحتی است که هرکس به شیوه‌ی خود آن را احساس می‌کند و کاملاً جنبه‌ی شخصی دارد. و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. اما در مجموع آنچه همه انسان‌ها آن را تجربه می‌کنند حالتی است که در آن فرد تحت فشار درونی و بیرونی نباشد و دغدغه‌ی خاطری نداشته باشد. (ملک محمودی، ۱۳۹۰، ص ۹)

به نظر روان‌شناسان، یکی از نیازهای اساسی بشر، آسایش و امنیت است. نیاز به امنیت با بحث فشار روانی ارتباط مستقیم دارد و عدم تأمین امنیت به اضطراب و فشار روانی می‌انجامد. (حسینی کوهساری، ۱۳۸۹، ص ۴۷)

### ۳- تبیین آرامش در خانواده از منظر آموزه‌های دینی

#### الف) اهمیت آرامش در خانواده

دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم با تمام شگفتی‌ها، زیبایی‌ها و پیشرفت‌ها آکنده از ترس و نگرانی است. همان طور که علم و تکنولوژی پیشرفت می‌کند، عواملی که موجب اضطراب، نگرانی، استرس و افسردگی می‌شوند نیز بیشتر شده‌اند. (محمودی، ۱۳۸۸، ص ۷)

قرآن به عنوان کتاب آسمانی و برنامه‌ی سعادت زندگی که به همه‌ی ابعاد آن توجه و اهتمام ویژه‌ای دارد به مسأله آرامش از جهات مختلف پرداخته و با نگرشی سیستمی و دقیق مورد تحلیل قرار داد.

با ایجاد خانواده، زن و مرد به آرامش روانی و جسمی دست پیدا می‌کنند. خداوند در سوره نبأ می‌فرماید: « وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا » (نبأ ۸) شما را جفت آفریدیم.



تعبیر به زوج یعنی آنکه هریک از طرفین به طرف دیگر محتاج است و به تنهایی ناقصند و از مجموع آن دو، واحدی تام و تمام درست می‌شود، و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هرکدام به سوی دیگر حرکت می‌کند و در کنار هم به آرامش می‌رسند، چون هر ناقصی مشتاق به کمال است و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۴۹)

زنان و مردان از لحاظ روانی اگر چه با هم تفاوت دارند، اما یکدیگر را تکمیل می‌کنند. سپس به آرامش می‌رسند که این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش همدیگر می‌باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۱) زن و مرد دو بخش از جسمی واحدند و هر کدام معاون و یاردیگری است، اگر هر کدام را جدا از دیگری تصور کنیم گویا وجود ناقصی را فرض کرده‌ایم که بدون دیگری کامل نخواهد بود.

بنابراین این زن و مرد سبب آرامش یکدیگر خواهند بود. لذا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (اعراف ۸۹)

او کسی است که شما را از یک نفس واحد آفرید و همسر او را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.

«لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» یعنی اینکه ازدواج و همسر، عامل آرامش روح و زندگی است. ناآرامی‌های روانی را برطرف می‌کند و اساس زندگی بر انس و الفت است نه اختلاف و شقاق. این سکون و آرامش یکی از هزارها نعمتی است که خدا به فرد مؤمن عطا کرده و می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۴۶)

ب) هدف از ازدواج در پرتو آرامش

از جمله آیاتی که خداوند به آرامش در خانواده اشاره کرده آیه ۲۱ سوره روم است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

و از آیات و نشانه‌های او آن است که برای شما از خودتان جفت‌هایی را آفرید تا به سوی آنان میل کنید و خواهان آنها شوید. و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد، محققاً در آن آفرینش هر آینه آیات و نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند.

در این آیه هدف از ازدواج را سکونت و آرامش بیان کرده است. به راستی وجود همسران برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود.

منشأ آرامش این است که این دو جنس مکمل یکدیگرند و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند به طوری که هریک بدون دیگری ناقص است و طبیعی است که میان موجود و مکمل وجود او را چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد. ( مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ، ج ۱۶ ، ص ۳۹۱ )

نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...»

او است خداوندی که شما را از یک تن بیافرید و جفت و همتایش را از وی آفرید تا با او انس گرفته و آرام گیرد.

زن مظهر عاطفه و مهر الهی است و از آنجا که معمولاً عاطفه بیش از قهر کارساز است، خداوند نیز عالم را بر محور محبت اداره می‌کند. راه محبت کوتاه‌ترین و سهل‌ترین راه می‌باشد. زن راه محبت را بهتر از مرد درک می‌کند. قرآن کریم در این آیات بعد از بیان آرامش زن و مرد، زن را در ایجاد آرامش اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر زن معرفی می‌کند.

ج) خانه محل آرامش

قرآن کریم خانه‌ها را محل استقرار آرامش معرفی کرده است:

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ...» ( نحل ۸۰ )

و خدا برای سکونت شما منزل‌هایتان را مقرر داشت و ...

خداوند از خانه‌ها برای شما جایی قرار داده است که در آن بیسایید. خواه خانه‌ها از سنگ باشد و یا خاک. بدیهی است که خداوند سنگ و چوب و دیگر آلات ساختمای را خلق کرده تا مردم از آنها خانه بسازند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۲۴) ولی این آرامش را سنگ و آجر و تیر آهن نمی‌آورد. بلکه این آرامش روانی را زن شایسته و وظیفه‌شناس برای شوهر به ارمغان می‌آورد. زیرا یکی از اوصاف زن مؤمن ایجاد آرامش در محیط خانواده است. یعنی زن به گونه‌ای عمل می‌کند که با ایجاد آرامش و معنویت کانون خانواده را گرم می‌نماید تا در اثر آن اضطراب و ناراحتی‌های روحی از بین برود.

#### د) نقش زن در ایجاد آرامش

زن یکی از ارکان خانواده است. سکون و آرامش را که زن به مرد می‌بخشد، شیوه خاص خود را دارد و با هیچ شیوه‌ی دیگری نمی‌توان ایجاد کرد. با توجه به تفاوت‌هایی که بین زن و مرد است، مرد از زن توقع محبت و مهربانی دارد، زیرا محبت زن موجب آرامش و آسایش مرد است. زن معمولاً در برقراری عشق و رابطه پیش قدم می‌شود. (پورامینی، ۱۳۸۸، ص ۷)

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «... اما حق الزوجه فاعلم ان الله عزوجل جعلها لك سكناً و انساً ...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، ج ۷۴، ص ۵)

حق زن (به شوهر) آن است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده ...

همین نگرش را حضرت علی (علیه السلام) نیز دارند و می‌فرمایند: «... فان المرأة ریحانة» (محمد دشتی، ۱۳۸۶، نامه ۳۱، ص ۳۸۲)

چه تعبیر لطیف و زیبایی! زن گل هستی است. گل مظهر محبت و عشق و صفاست. گل کانون طراوت و شادابی و منشأ بوی خوش است.

از جمله روایتی که به نقش زن در ایجاد آرامش اشاره می‌کند این است که امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

« آدم (علیه السلام) حوا را در خواب دید زمانی که بیدار شد گفت: پروردگارا! اینکه با نزدیک شدنش، مرا با خودش مأنوس کرد ( به من آرامش بخشید) کیست؟ خداوند متعال فرمود: او و تو بندگان من هستید. ای آدم، آفریده‌ای را گرامی‌تر از شما دو نفر نیافریدم و سرایی را خلق کردم و نامش را بهشت نهادم، پس هر کس وارد آن شود به راستی دوست من است و هر کس وارد نشود بر راستی دشمنم می‌باشد. پس آدم (علیه السلام) گفت: پروردگارا! آیا تو دشمن داری در حالی که پروردگار آسمان‌ها هستی؟ خداوند متعال فرمود: ای آدم اگر می‌خواستم که همه آفریده‌ها را دوستان خود قرار دهم، این کار را می‌کردم، اما من انجام می‌دهم هر آنچه که می‌خواهم و حکم می‌کنم آنچه را که اراده می‌کنم. آدم گفت: پروردگارا! این بنده تو حواست، دلم اسیر او شده، او را برای که آفریدی؟ خداوند متعال فرمود: او را برای تو آفریدم برای اینکه در دنیا آرامش یابی و در بهشتم تنها نباشی،

( محدث نوری ، بی تا ، ج ۱۴ ، ص ۳۲۴ )

#### ۴- مهارت های ارتباطات کلامی و غیرکلامی درتامین آرامش همسر

از جمله موارد مهم که زنان باید به آن توجه کنند قوامیت مرد است که با رفتار و گفتار خود باید به حفظ آن بپردازند زیرا تمامیت وجود مرد در سرپرستی و ولایت اوست. از جمله راهکارهای حفظ اقتدار مرد ارتباطات کلامی و غیرکلامی است که به آن‌ها خواهیم پرداخت.

#### الف) تکریم و حفظ شؤون اعضای خانواده

اسلام برای حفظ تعادل و تعالی خانواده، جایگاه مرد و زن را دقیقاً معین کرده است و در قرآن کریم اشاره به قوامیت مردان شده است.

« الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْقَضُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... » ( نساء ۳۴ )

مردان بر زنان مسلط و نگاهبان‌اند به سبب آنچه خدا برخی از ایشان را بر برخی (زنان) تفضیل و برتری داده، و به سبب آنچه مردان از مال‌ها و داراییشان انفاق نموده و می‌بخشند. پس زنان شایسته و مطیع و در غیبت مردان حافظ باشند از آن رو که خدا هم حفظ فرموده است.

#### - تفسیر قوامیت

«قوام» هم بر زن و هم بر مرد اطلاق می‌گردد ولی در حقیقت برای مردان وضع شده. در مورد زنان مجازاً به کار می‌رود؛ به دلیل آیه «الرجال قوامون علی النساء» چرا که در برابر نساء به کار رفته است.

( اصفهانی ، بی تا ، ج ۲ ، ص ۶۹۲ )

گاهی «قیام» به معنی المحافظة و الاصلاح آمده و «قوامون» در این آیه به همین معنا یعنی محافظ و اصلاحگر شأن زنان تفسیر شده است.

( ابن منظور ، ۱۴۱۴ ق ، ج ۱۲ ، ص ۴۹۷ )

مرحوم طریحی لغت‌شناس معروف شیعی، در کتاب مجمع‌البحرین در تفسیر «قوامین» می‌نویسد: مردان بر زنان حق ولایت و حکومت و سرپرستی داشته و صاحب اختیار آنان می‌باشند و به معنای حمایت و سرپرستی نیز معنا شده، یعنی کسی که قیام‌کننده و عهده‌دار مصالح تدبیر و تأدیب است. و دلیل این ولایت و حاکمیت دو چیز است.

۱- موهبت فطری است که از جانب پروردگار عالم به وی ارزانی شده و در امور فراوانی بر زنان برتری پیدا کرده است. از قبیل حسن تدبیر امور، قدرت جسمی، ولایت امر مردم، اقامه حدود و شعائر، جهاد در راه خدا و ... از آن مردان شده است.

۲- اکتسابی است؛ چرا که مردان عهده‌دار نفقه زنان، مهر و یا اجرت آنان هستند با آنکه بهره ازدواج

از آن هر دو می‌باشد. ( طریحی ، ۱۳۷۵ ، ج ۶ ، ص ۱۴۲ )

« بما فضل الله » یعنی خداوند عالم به سبب برترهای ذاتی موهبتی و اکتسابی مردان، سرپرستی و زمام امور زنان را در عرصه‌های اجتماعی و فردی خواه در جامعه، خواه در روابط زناشویی را به آنان سپرده است.

( طباطبایی ، ۱۳۷۴ ، ج ۴ ، ص ۵۴۳ ؛ مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴ ، ج ۳ ، ص ۳۷۱ )

این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند. « بما انفقوا من اموالهم » ولی ناگفته پیداست که سپردن این وظیفه به مردان به دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنهاست و نه سبب امتیاز آنها در جهان دیگر، زیرا بستگی به تقوی و پرهیزگاری دارد.

در این آیه بعد از اینکه مردان را قوام زنان معرفی می‌کند، زنان مؤمنه را مطرح فرمود تا ارزش آنها را در حقیقت بندگی نشان دهد. زنانی که مطیع همسر بوده و در غیاب همسر حافظ حقوق او و خانواده باشند.

قال رسول اله (صلی الله علیه وآله): « کل نفس من بنی آدم سید فالرجل سید اهله و المرأة سیده بینه »

( الهندی ، بی تا ، ج ۱۶ ، ص ۲۲ )

هریک از فرزندان آدم فرمانروایی است. مرد فرمانروای خانواده خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است.

خداوند به هر کدام از زن و مرد امتیازی داده است تا در خدمت دیگری باشد. به عبارت دیگر، زن و مرد نقص‌های هم دیگر را دفع می‌کنند.

## - نقش مدیریت زن در خانواده

بنابراین، مردها باید مدیر خانه باشند و زن‌ها که نقش تکمیلی دارند با رفتار و گفتار خود این اقتدار و قوامیت مرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند باید بدانند که: « مردها نیاز دارند احساس کنند همه جا رئیس هستند و مسئولیت کارها و تصمیم‌گیری‌ها با آنها است.» (دی آنجلیس، ۱۳۹۱، ص ۳۴۶)

مردها دوست دارند احساس کنند که به آنها نیاز دارند، نیاز به معنای دست کمک‌خواهی دراز کردن به طرف مرد و خواستن حمایت از او می‌باشد. نیاز به احتیاج نوعی نیازمندی است. مردی که به او احساس نیاز شده است اعتماد به نفس دارد و استعدادهایش بروز پیدا می‌کند .... (محمدزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰)

بنابراین، زنان باید توجه داشته باشند که تمامیت وجود مرد در سرپرستی و ولایت اوست و نباید به این حوزه آسیب وارد کنند. چون هرگاه مردان احساس کنند که نقش مدیریت و سرپرستی را از دست داده است وظایف خویش را به خوبی ایفا نمی‌کند.

## ب) راهکارهای حفظ اقتدار مردان

حال که به اهمیت اقتدار مردان پی بردیم راهکارهای حفظ اقتدار را بیان می‌کنیم که عبارتند از:

## - ارتباطات کلامی و غیرکلامی

از جمله راه‌های اقتدار بخشیدن به مردان مهارت‌های کلامی و غیرکلامی است که زنان با شیوه‌های درست صحبت کردن، گوش کردن، نحوه نگاه، آهنگ صدا و ... می‌توانند این احساس نیاز را برای همسرانشان ایجاد کنند و اقتدار او را افزایش دهند که نتیجه‌ی اقتدار، مسئولیت بیشتر مرد به همسر و خانواده خواهد بود.

آموزه‌های اسلام و روانشناسی در مورد رفتارهای اعضای خانواده، توصیه‌های به ظاهر جزئی دارند که در بهبود چگونگی روابط اعضا و کارایی بیشتر آنان اثرگذار است. بخشی از این توصیه‌های رفتاری به روابط و ارتباطات کلامی و غیرکلامی، مربوط می‌شود که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

## — تعریف ارتباط کلامی و غیرکلامی

اجزای مهم ارتباط را می‌توان به کلامی و غیر کلامی تقسیم کرد. ارتباط کلامی شامل ارسال و دریافت پیام‌های کلامی است که کانال‌های مهم آن صحبت کردن و گوش دادن است؛ و ارتباط غیرکلامی که شامل ارسال و دریافت پیام‌های غیرکلامی مانند: زبان بدن، تماس چشمی، حالت چهره، وضعیت بدنی و ... می‌شود. (لواسانی، محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۲۰)

### - ارتباط کلامی

صحبت کردن مهم‌ترین شکل ارسال پیام است که انسان‌ها با آن افکار و عقاید، احساسات و خواسته‌های خود را بیان می‌کنند. استفاده‌ی مناسب از این کانال ارتباطی نقش بسیار زیادی در بهبود روابط بین فردی دارد و عدم آشنایی با اصول درست صحبت کردن ایجاد سوء تفاهم و تعارض می‌شود. (همان، ص ۲۲)

در زندگی زناشویی نیز شیوه‌ی اصلی ارتباط زوج‌ها، صحبت کردن است. وقتی گفت و گوی بین آنها دوست داشتنی و رضایت‌بخش است، رابطه نیز خوب احساس می‌شود و وقتی گفت و گوها سلطه جویانه، گستاخانه و صدمه زننده است، رابطه نیز، ناخوشایند احساس می‌شود.

مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «همانا این دل‌ها همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند، پس برای شادابی دل‌ها، سخنان زیبای حکمت‌آمیز را بجویید.» (دشتی، ۱۳۸۶، حکمت ۹۱، ص ۴۵۹)

آنچه توجه به آن اهمیت دارد، این است که فشارهای ناشی از کلمات نامناسب و سخنان روح‌آزار، امواج مغزی را به شدت تحت تأثیر می‌گذارد. این امواج، آرامش فرد را مختل و رفتار وی را از حالت عادی خارج می‌کند و این آغازی برای تنش و ناسازگاری در منزل است.

بنابراین چگونگی صحبت کردن یکی از مسائل مهم در سلامت رابطه‌ی زناشویی است و دارای قواعد و ضوابطی است که رعایت آنها، کمک می‌کند افکار، احساسات و خواسته‌های خود را بیان کنیم و رابطه‌ی دوست داشتنی و لذت‌بخش را به وجود آوریم.



## — اصول عمومی صحبت کردن

صحبت کردن اصولی دارد که رعایت آن سبب تقویت روابط می‌شود.

### الف ( حرف زدن

وقتی با هم صحبت می‌کنید، اطلاعات شخصی را بیان می‌کنید که همسران نمی‌تواند از راه‌های دیگر متوجه آن شود. شما ممکن است از راه‌های زیادی مانند رفتار، حالت چهره و ... درباره‌ی همسران اطلاعات به دست آورید، ولی شناخت از طریق صحبت کردن چیز دیگری است.

### ب ( خودافشایی کردن

خود افشایی یا بیان افکار، نگرانی‌ها، ترس‌ها و آرزوها یکی از ویژگی‌های روابط صمیمانه محسوب می‌شود و ارتباط با در میان گذاشتن خصوصی‌ترین افکار و تجربیات عمیق تر می‌شود. سکوت موجب انزوا و تنهایی است و خود افشاگری به صمیمیت می‌انجامد ولی متأسفانه ممکن است در روابط زناشویی که باید از صمیمانه‌ترین روابط بین افراد باشد، خود افشایی کمی وجود داشته باشد.

همسران بیشتر فرض را بر این می‌گیرند که کاملاً همدیگر را می‌شناسند و لازم نیست خیلی درباره‌ی خود صحبت کنند. به همین دلیل ممکن است در پایان روز، فعالیت‌های روزانه را مرور کنید، درباره‌ی فامیل و بچه‌ها به گفت‌وگو بنشینید، اما به ندرت درباره‌ی رابطه‌ی احساسات، امیدها و رؤیاهایتان حرف بزنید.

( لواسانی ، محمدپور ، ۱۳۸۹ ، ص ۲۳ )

برخی زن و شوهرها فکر می‌کنند که صرف دوست داشتن موجب می‌شود که همسرشان همه‌ی نگرانی‌ها، نیازها و آرزوهای آنها را بفهمد. ولی شما نمی‌توانید به چیزی که در ذهن همسران می‌گذرد، پی ببرید. دو نفر باید درباره‌ی این که چه فکر می‌کنند، چه احساس می‌کنند و چه نیاز دارند با هم حرف بزنند.

مصادیق مختلف ارتباطات کلامی

## الف ( پذیرش و عدم مقایسه

هنگامی که زن صمیمانه شوهرش را بدون آنکه بخواهد او را تغییر دهد، بپذیرد و باور داشته باشد، شوهرش احساس می‌کند که نیاز او به پذیرفته شدن از سوی همسرش برآورده شده است. مفهوم باور داشتن به این معناست که زن، شوهرش را به گونه‌ای صمیمانه بپذیرد و از او استقبال کند به این معنا نیست که زن فکر کند شوهرش از هر جهت کامل و بی‌عیب و نقص است. بلکه حاکی از آن است که زن تلاش نمی‌کند شوهرش را اصلاح نماید. او به شوهرش اعتماد می‌کند که خودش در پی اصلاح و بهبود خویش باشد.

( حر عاملی ، ۱۴۰۹ ق ، ج ۱۴ ، ص ۶ ) ن

برای مردان، پذیرفته شدن بسیار حائز اهمیت است. چنانچه یک مرد مورد پذیرش قرار گیرد استعدادها و قابلیت‌های دیگر وی نیز پرورش می‌یابد. اگر بدون قید و شرط مقبول زنش واقع شود این اندیشه در او قوت می‌گیرد که راه‌های دیگری را برای ارتقای رابطه‌ی زناشویی خویش به کار برد و آن را تحکیم بخشد.

( گری ، ۱۳۹۱ ، ص ۳۱۲ )

زن و شوهر در دو خانواده و دو فرهنگ جداگانه پرورش یافته‌اند. بنابراین، وجود اختلاف نظر و سلیقه در هر مسئله‌ای اجتناب ناپذیر است. اعضای خانواده را باید با همان خصایص اخلاقی و پیچیدگی‌های ویژه خود و توانایی‌های فردی لحاظ کنیم و هرگز آنها را با دیگران مقایسه نکنیم و موقعیت‌های برتر دیگران را به رخ آنها نکشیم تا حس اعتماد و اطمینان و نشاط درونی را به آنها القا کنیم.

ب) شنونده فعال؛ در حالی که گوش دادن فرآیند فعالی است که هر فرد از روی انتخاب آن را انجام می‌دهد و لی گوش دادن واقعی به ندرت بین زوجین اتفاق می‌افتد. آن‌ها بیشتر یا مشغول شنیدن هستند یا کاری را انجام می‌دهند که گوش دادن کاذب نامیده می‌شود.

در این نوع گوش دادن با تلاش برای آماده کردن پاسخ، مخالفت کردن، شنیدن چیزهایی که به نفع خود است، قضاوت کردن، پند و نصیحت کردن، فضای ارتباطی را آلوده می‌کنند.

ولی ارتباط سالم، ارتباط فعال و متقابل است، که باید به سخنان طرف مقابل با علاقه و توجه کامل گوش کنیم و به این وسیله به او نشان دهیم که سخنانش برای ما مهم است. قطع کردن سخن طرف مقابل، ذهن خوانی کردن، هنگام سخن گفتن او به جای دیگر توجه کردن یا مشغول به کار دیگری مثل: تماشای تلویزیون، خواندن روزنامه، تمیز کردن وسایل و.....، واکنش نشان ندادن و با نوعی بی‌تفاوتی به سخنان او گوش کردن، نشانه‌ی بی‌توجهی به متکلم می‌باشد که اسباب رنجش را فراهم می‌نماید و موجب ضعیف شدن ارتباطات کلامی متقابل می‌گردد. زنان بیش از آن که اشتیاق داشته باشند بشنوند، تمایل دارند که صحبت کنند. "چون زن‌ها" فرایند مدار" هستند و باید حتماً به نتیجه‌ای برسند. مرد‌ها نیاز دارند به هنگام صحبت تمرکز داشته باشند تا به احساسات خود دسترسی پیدا کنند؛ هنگامی که صحبت‌های مردی را قطع می‌کنید، موقتاً تمرکز او را بر احساسات و افکارش مختل می‌نمائید. (دی

آنجلیس، ۱۳۸۳ ش: ص ۳۰۳)

ولی باید به این نکته هم توجه کرد که شنیدن هم مانند سخن گفتن هنر است و به نوعی همگام شدن با طرف مقابل است. وقتی سخن دیگران را با اشتیاق می شنوید، در واقع به نوعی با آنان هم دلی کرده و احساس نشاط درونی و صمیمیت را به آن ها القا می کنید.

شنونده ی خوب کسی نیست که در تمام مدتی که گوینده صحبت می کند، دهان بسته بماند؛ بلکه اگر موضوعی برایش روشن نیست، صحبت طرف مقابل را قطع می کند تا از او سوال نماید. خلاصه کردن کلام مقابل باعث می شود که شنونده همان پیامی را دریافت کند که گوینده قصد ارسال آن را داشته باشد.

#### ۴ - ارتباط غیر کلامی

روابط غیرکلامی یکی از اجزای مهم ارتباط است که شامل ارسال و دریافت این نوع پیام است. که از جمله راه های اقتدار بخشیدن به مردان است.

#### الف) اهمیت روابط غیر کلامی

ارتباط نه تنها تحت تأثیر سخنان طرف است، بلکه از زبان بدن و آن چه گفته نمی شود نیز تأثیر می پذیرد. کلمات فقط بخشی از پیامی است که می فرستید و در این میان زبان بدن بدون استفاده از کلمات پیام های خود را منتقل می کند. (لواسانی، محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸)

بعضی از پژوهشگران اعتقاد دارند که نزدیک به ۶۵ درصد تمام ارتباط های چهره به چهره از نوع غیرکلامی هستند و ۳۵ درصد پیام ما از طریق کلمات منتقل می شوند. به عبارت دیگر یک سوم معانی از طریق مؤلفه های کلامی و دو سوم مابقی از طریق کانال غیرکلامی منتقل می شوند، بنابراین، بیشترین

اطلاعات از طریق رفتارهای غیرکلامی مبادله می‌گردد. ( اچ السون ، ایمی کی السون ، ۱۳۸۸ ، ص ۱۷۲

(

#### ب) انواع ارتباط‌های غیرکلامی

از آنجا که بخش شایان توجهی از پیام‌هایی که در هر رابطه‌ای رد و بدل می‌شود، به صورت غیرکلامی است، نقش مهم آن در نوع و کیفیت رابطه زناشویی می‌توان حس کرد. به همین دلیل شناخت انواع کانال‌های غیرکلامی ارتباط و استفاده‌ی درست و مناسب از آن می‌تواند به بهبود ارتباط شما و کاهش سوء تفاهم، ابهام و سردرگمی در ارتباط کمک کند.

#### - حالت بدن

انسان‌ها با استفاده از حرکات و جنبش‌های بدنی خود، اطلاعات زیادی را به دیگران انتقال می‌دهند مثل بالا انداختن شانه‌ها، تکان دادن دست، پوزخند و هرچیز دیگری که در آن حرف زدن نیست، اما دنیایی حرف دارد. کسی که محکم راه می‌رود، اعتماد به نفس خود را نشان می‌دهد. بنابراین حالت بدن پیام‌های مهمی را درباره‌ی وضعیت روانی و هیجانی فرد منتقل می‌کند؛ برای مثال می‌تواند آرامش، تنش، عصبی بودن و خستگی و کسالت را نشان دهد. ( لواسانی ، محمدپور ، ۱۳۸۹ ، ص ۱۲۰ )

#### - تماس بدنی

تماس بدنی یک تحریک حسی است که ما برای ادامه زندگی، مانند خوردن و آشامیدن و ... به آن نیاز داریم. به وسیله تماس جسمانی، « از دنیای من » به « دنیای تو » می‌رویم و رابطه‌ای برقرار می‌کنیم که ادراک و تفاهم در آن به مراتب بیشتر از ارتباط زبانی است. ( شوت ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۵ )

با تماس بدنی مثل گرفتن دست همسران بدون رد و بدل شدن حتی یک کلمه می‌توانید احساسات مهمی مثل علاقه، محبت، همدلی و همدردی را منتقل کنید و سبب افزایش صمیمیت بین شما می‌شود و

همسران احساس نزدیکی می‌کند و تمایل پیدا می‌کند تا درباره‌ی خود و مشکلاتش صحبت کند. لمس می‌تواند در برگیرنده‌ی پیام توجه و گرمی باشد و سبب گردد تا لمس شوند. نگرش مثبت تری نسبت به ما و محیط پیدا کند.

### ماساژ جسمانی

یکی از مصادیق تماس بدنی، لمس و نوازش کردن است که لمس و نوازش جسمانی، یکی از موارد ابراز عشق و محبت است. (دی آنجلیس ، ۱۳۹۱ ، ص ۳۴۰)

ماساژ نوعی برقراری ارتباط است. یک زبان بدون کلام که ما را به هم نزدیک می‌کند و احساس اعتماد را برمی‌انگیزد. با توجه به این که تأثیر ماساژ فقط منحصر به بدن نیست، بلکه حداقل به همان اندازه بر روح و روان شخص هم تأثیر می‌گذارد. (شوت ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۱)

### — فاصله

وقتی به فرد نزدیک می‌شویم، صمیمیت و علاقه خود را به او نشان می‌دهیم و زمانی که از فرد فاصله می‌گیریم، نفرت و بی‌علاقگی خود را به نمایش می‌گذاریم. فاصله افراد، گویای نوع رابطه بین افراد است. بنابراین فاصله‌ی زیاد در روابط صمیمانه می‌تواند ناشی از علاقه نداشتن و یا دلخوری و کدورت باشد. (لواسانی ، محمدپور ، ۱۳۸۹ ، ص ۱۱۹) ولی حفظ فاصله به ویژه در زدن حرف‌های جدی لازم است.

### — حالت صورت

حالت صورت مهم‌ترین کانال ارتباط غیرکلامی است که از طریق آن انواع مختلف هیجان‌ها مثل علاقه، لذت، اضطراب، خشم، عشق و نفرت نمایش داده می‌شود. بنابراین مراقب حالت صورت خود باشید، پیام صریح زمانی بیشترین اثر خود را دارد که به چهره‌ای جدی مطرح شود. حالات چهره و سخن شما باید پیام را منتقل سازد. (ملک محمودی ، ۱۳۸۸ ، ص ۲۲۲)

در برخورد و شخصیت، بیش از هر سخنی، دو صورت با هم روبرو می‌شوند که کیفیت رویارویی چهره‌ها نقش عمده‌ای در نحوه‌ی گفتار و رفتار دارد. همانگونه که خورشید جان تازه‌ای به گیاه می‌دهد، روی گشاده و خندان، نوعی سرخوشی، نشاط و سلامت به همراه داشته و افراد را زنده دل و سرحال نگه می‌دارد.

#### — تماس چشمی

از بارزترین جنبه‌های رفتاری هنگام صحبت با اشخاص این است که شما کجا را نگاه می‌کنید. اگر مستقیماً به چشمان وی نگاه کنید می‌توانید اعتماد به نفس، شجاعت، صمیمی بودن و هوشیاری خود را به وی بفهمانید ولی بدانید که نگرستن به چشمان افراد، حد و مرزی دارد که معمولاً متناسب با فرهنگ آن جامعه است و باید رعایت شود. (ملک محمودی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲)

تماس چشمی مناسب، احترام و علاقه نسبت به طرف مقابل را نشان می‌دهد، در حالی که نگاه‌های خیره می‌تواند حاکی از تمایل نداشتن برای برقراری ارتباط، یا دلخوری و کدورت باشد.

#### - لحن کلام

طرز استفاده از صدا، عنصری حیاتی در ارتباطات ماست. کلامی که به دندان‌های به هم فشرده و در حال عصبانیت بر زبان می‌رانید، با پیامی که در حالت خوش از دهان بیرون می‌آید، تفاوت زیادی دارد. لحن صدا، به ساده‌ترین شکل ممکن ذهنیت گوینده را مشخص می‌کند. بیان یک جمله با آهنگ‌های مختلف مثل طعنه‌آمیز، خصمانه و یا همدلانه می‌تواند معانی و پیام‌های متفاوتی را برساند. (محمدزاده، توانایی، ۱۳۸۳، ص ۲۳)

#### نتیجه‌گیری

آرامش در لغت به معنای سکن، سکون و سکینه است. یعنی تسکین دهنده، آرام کننده می‌باشد و در اصطلاح، حالتی نفسانی همراه با آسودگی و ثبات است و جایگاه بسیار رفیعی نزد خانواده دارد. قرآن و احادیث زن را محور آفرینش آرامش در خانه برای همسر می‌دانند و این مطلب بیانگر نقش عظیم و

حساس زنان در تنظیم و تعدیل خانواده و جامعه می‌باشد. البته منکر نقش مرد نیستیم زیرا که زن و مرد مکمل هم در حفظ آرامش یکدیگر هستند. پس زنان با دانش نسبت به نقش محوری خود می‌توانند این آرامش را نسبت به همسر و در نتیجه خانواده برقرار کنند.

زنان با دانش به اینکه مردان سرپرست و قوام خانه هستند باید با رفتار و گفتار خود به حفظ و ارتفاع حق ولایت و حکومت مردان پردازند. در نتیجه زن با طریقه درست صحبت کردن و لحن کلام مناسب، حالت صورت، حالت بدن و حتی تماس بدنی که با همسر خود برقرار می‌کند می‌تواند این اقتدار را حفظ کند و آرامش، احساس رضایت و خوشبختی همسران را ایجاد نماید.



- قرآن کریم، ترجمه سیدنقی فیض الاسلام، تهران، فقیه، ۱۳۷۸.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، ناظرین، ۱۳۸۶.
- ۱ - السون، دیوید اچ و جان دفرین، ایمی کی السون، مهارت‌های ازدواج و ارتباط زناشویی کارآمد، احمدرضا بحیرایی و نادر فتحی، تهران، روان‌شناسی و هنر، ۱۳۸۸.
- ۲ - پور امینی، ا.، راه‌های کسب آرامش در خانواده، تهران، سمیع، ۱۳۸۸.
- ۳ - حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ج ۱۶، قم، ۱۳۷۶ ش.
- ۴ - حسینی کوهساری، سید اسحاق، نگاهی قرآنی به فشار روانی، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹.
- ۵ - دی آنجلیس، باربارا، رازهایی در باره‌ی مردان که هر زنی باید آن‌ها را بداند، هادی ابراهیمی، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۹۱.
- ۶ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه المفردات فی غریب القرآن، ج ۱ و ۲، سید غلامرضا خسروی حسینی، کتابفروشی مرتضوی، بی تا.
- ۷ - سیدا، محمد، ۱۲ گام تا آرامش، تهران، نشر کارآفرین برتر، ۱۳۸۷.
- ۸ - شوت، کارین، ماساژ درمانی، محمدطاهر طاهر، تهران، پیدایش، ۱۳۸۵.
- ۹ - طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۴ و ۱۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- ۱۰ - طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱۴، سید ابراهیم میربافری، احمد بهشتی، محمد رازی و دیگران، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰.

- ۱۱ - عاطف وحید، محمدکاظم؛ محمدپور، احمدرضا؛ لواسانی، فهیمه، مهارت‌های ارتباطی همسران، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۹.
- ۱۲ - قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۳ و ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- ۱۳ - قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۴، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- ۱۴ - گری، جان، چگونه به همسر خود عشق بورزیم، مینا امیری، تهران، گلپا، ۱۳۹۱.
- ۱۵ - لواسانی، فهیمه؛ محمدپور، احمدرضا؛ عاطف وحید، محمدکاظم، مهارت‌های ارتباطی همسران، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۹.
- ۱۶ - محمدزاده، خلیل علی؛ توانایی، محمدحسین، کلیدهای طلایی ارتباطات، تهران، اندیشه مهر، ۱۳۸۳.
- ۱۷ - محمودی، امیر ملک، پیشگیری و درمان اضطراب و افسردگی، قم، شهاب‌الدین، ۱۳۸۸.
- ۱۸ - محمودی، امیر ملک، آرامش و موفقیت، قم، منشور روحی، ۱۳۹۰.
- ۱۹ - مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۸۶.
- ۲۰ - مزلو، آبراهام. اچ، انگیزش و شخصیت، احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۲۱ - معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات ساحل، ۱۳۸۷.
- ۲۲ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳ و ۱۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۲۳ - نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۸۲.
- منابع عربی :
- ۲۴ - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.

٢٥ - الهندي، المتقى ابن حسان الدين، *كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال*، ج ١٦، بيروت، مكتبة القرآن الاسلامي، بي تا.

٢٦ - حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعه*، ج ١٤، قم، آل البيت، ١٤٠٩ق.

٢٧ - راغب اصفهانی، حسين بن محمد، *المفردات في غريب القرآن*، دمشق، دارالعلم الدار الشاميه، ١٤١٢ق.

٢٨ - طريحي، فخرالدين، *مجمع البحرين*، ج ٦، تهران، كتابفروشي مرتضوي، ١٣٧٥ش.

٢٩ - مجلسي، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ٧٤، تهران، اسلاميه، ١٤٠٤ق.

٣٠ - مصطفوي، حسن، *التحقيق في كلمات القرآن الكريم*، ج ٥، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ١٣٦٠.

٣١ - نوري، ميرزا حسين، *مستدرک الوسائل*، ج ١٤، قم، مؤسسه آل البيت، بي تا.

یکی از پلیدترین توطئه‌های دشمنان اسلام در تاریخ معاصر، توطئه‌ی کشف حجاب است. رضاخان - که با طرح کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و با حمایت و هدایت انگلیسی‌ها بر سر کار آمد - درصدد اجرای تز اسلام‌زدائی و جایگزینی ارزش‌های لیبرالیستی در جامعه بود. از مهم‌ترین جلوه‌های این طرح، پدیده‌ی کشف حجاب بود. برای آماده ساختن زمینه‌ی کشف حجاب، مجلس، در ششم دی‌ماه ۱۳۰۷ قانون متحدالشکل نمودن البسه را تصویب کرد که بر اساس آن، پوشیدن کت و شلوار و کراوات و کلاه فرنگی، برای مردان الزامی شد. تلاش‌های رضاخان، باعث شد تا عده‌ای از زنان غرب‌زده، به‌ویژه زنان درباری و دولتمردان، به صورت بی‌حجاب یا بدحجاب، در مجامع و معابر عمومی ظاهر شوند و مردم نیز تحت تأثیر اختناق و ظلم رضاخانی، حساسیت لازم را از خود نشان ندادند. در سال ۱۳۱۳ رضاخان عازم ترکیه شد و با مشاهدی تغییراتی که رژیم لائیک ترکیه به رهبری مصطفی‌کمال آتاتورک در جهت غربی کردن جامعه‌ی مسلمان ترکیه اجرا کرده بود، تحت تأثیر قرار گرفت و شدیدتر از گذشته، در راستای اسلام‌زدائی و به‌ویژه حجاب‌زدائی گام برداشت. در بهمن ۱۳۱۳، در افتتاح دانشگاه تهران، به دختران دستور دادند که بدون حجاب به تحصیل مشغول شوند. اقدامات رضاخان در این جهت، واکنش و مخالفت‌های مردمی را به رهبری روحانیت باعث شد که از مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به سرکوب قیام مسجد گوهرشاد و کشتار مردم مظلوم اشاره کرد. حدود شش ماه پس از فاجعه‌ی مسجد گوهرشاد، رضاخان با بی‌اعتنائی به علما و مردم، در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در جشن فارغ‌التحصیلی دانشسرای مقدماتی دختران در تهران، مقررات کشف حجاب زنان را به طور آشکار و رسمی اعلام کرد و خود به اتفاق همسر و دخترانش - که بدون حجاب بودند - در این جشن که به ابتکار علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف و فراموسونر معروف تشکیل گردید، شرکت و سخنرانی کرد و دوره‌ای سیاه برای زنان ایران در تاریخ آغاز گردید.

.....

علت نامگذاری ۲۱ تیر ماه به عنوان روز حجاب و عفاف

## زیرپا نهادن رسوم مذهبی

وقتی رضاخان به قدرت رسید، درصدد فریب مردم برآمد. او با پای پیاده همراه دسته جات عزاداری حرکت می کرد و در مجالس عزاداری و تکیه ها حاضر می شد و خود را مقید به اصول مذهب نشان می داد. اما بعد از پا گرفتن قدرتش، همه تلاش خود را در راه زیر پا نهادن رسوم مذهبی به کار بست. او در راه رسیدن به اهداف شوم و پلید خود، حتی حرم مطهر امام رضا علیه السلام را به خاک و خون کشید و واقعه مسجد گوهرشاد، نمونه بارز و علنی دشمنی او با اسلام بود.

## تغییر لباس دستور استعمارگران

رضاخان به دستور استعمارگران غربی و به کمک جریان وابسته روشن فکر، تمام توان خود را در تغییر لباس ملی به کار گرفت و به عنوان لباس متحدالشکل، مردم را مجبور به تغییر لباس و کلاه نمود و از تمامی قدرت و ابزاری که در دست داشت، برای این مقصد استفاده کرد. او لباس روحانیت را ممنوع و منوط به اخذ اجازه نمود. سفر رضاخان به ترکیه، یکی از توطئه های روشن فکران وابسته بود تا رضاخان تحت تأثیر قرار گیرد و در تغییر ماهیت ملی و اسلامی ایران تلاش نماید.

## پیش بینی مخالفت روحانیون

در زمان رضاخان، پیش از آن که طرح تغییر لباس و بر سر گذاشتن کلاه شاپو به مرحله اجرا درآید، برای جلوگیری از مخالفت روحانیان، نخست دولت اعلام کرد به این دلیل که اشخاص غیر روحانی یا روحانی نمایان، نتوانند از پوشیدن لباس و عمامه سوء استفاده کنند، باید اشخاصی که به این لباس ملبّس هستند، از دو نفر از مراجع گواهی بگیرند که آیا برای پوشیدن لباس روحانیت صلاحیت دارند یا خیر، و مجتهدان نیز شهادت نامه بدهند. سپس روحانیان گواهی را به وزارت معارف ببرند و اجازه پوشیدن لباس دریافت کنند. دولت بدین ترتیب، در مورد کسانی که معمم بودند، سخت گیری هایی نمود. پس از آن، افراد معمم، یا در معابر رفت و آمد نمی کردند و در خانه می ماندند، و یا اگر در معابر رفت و آمد می کردند، گرفتار پلیس می شدند.

## تأثیر اقتصادی تغییر لباس

تأثیر اقتصادی تغییر لباس و کشف حجاب، این بود که زمینه استفاده از لباس ها، لوازم آرایش و سایر فرآورده های ظاهر فریب سرمایه داری فراهم گردید؛ زیرا تا وقتی که مرد و زن ایرانی لباس سنتی خود را می پوشیدند، طبعاً مناسب با آن زیور آلات مصرف می کردند و بیش تر لباس ها و زیور آلات نیز در داخل کشور تولید می شد و محتاج محصولات غربی نبودند. این موضوع، برای سرمایه داری غرب غیرقابل تحمل بود. از این رو، با تغییر لباس مردان و زنان به سبک اروپایی، ایرانیان مجبور شدند تولیدات آن ها را وارد کشور کرده، سپس تهیه و مصرف کنند. بدین ترتیب، کم کم صنایع داخلی از قبیل کارگاه های نساجی پارچه و شال و نمدمالی و عبا بافی و... چون نمی توانستند با مدهای رنگارنگ پاریس و لندن و نیویورک مقابله و رقابت کنند، از بین رفتند و سرمایه های داخلی، به جای تولید، مجبور به واردات شده و سرمایه داران استعماری هم درآمدهای سرشاری را به جیب زدند.

باید صورتاً و سنتاً غربی شویم

رضا شاه بعد از مسافرت ترکیه، در اغلب اوقات، ضمن صحبت از پیشرفت سریع کشور ترکیه، از تغییر لباس مردان و رفع حجاب خانم ها سخن می گفت و این مسأله را تشویق می کرد. او یک روز اوایل خرداد ۱۳۱۴، هیأت دولت را احضار کرد و گفت: «ما باید صورتاً و سنتاً غربی شویم و باید در قدم اول، کلاه ها تبدیل به شاپو شود. پس فردا که افتتاح مجلس دوره دوازدهم است، همه باید با شاپو حاضر شوند و در مجالس باید کلاه را به عادت غربی ها از سر بردارند و نیز باید شروع به رفع حجاب زن ها نمود. شما وزرا و معاونان باید پیشقدم شوید».

جنبش شیراز، مقدمه قیام مشهد

چند ماه قبل از قیام مردم مشهد، یعنی در یکی از شب های جمعه ماه ذی الحجه سال ۱۳۵۳ق، وزیر معارف مسافرتی به شیراز می کند و به مناسبتی، مجلس جشنی با حضور قشرهای مختلف مردم برپا می شود. پس از ایراد سخنرانی ها و نمایش، در خاتمه، عده ای از دوشیزگان بر روی صحنه نمایان می شوند و ناگهان نقاب از چهره برمی گیرند و ارکستر آهنگ رقص می نوازند و دختران به پای کوبی می پردازند. در این هنگام، عده ای به عنوان اعتراض از آن جا خارج می شوند. روز بعد، این خبر مانند بمبی صدا می کند و عده ای از مردم در مسجد وکیل اجتماع می نمایند. سید حسام الدین فالی که از عالمان و روحانیان

با نفوذ شیراز بود، به منبر می رود و این گونه اعمال را تقبیح و محکوم می کند. خبر جنبش شیراز و تعطیل بازار به تهران می رسد، به ناچار دستور بازداشت سید حسام الدین صادر می شود و او را زندانی می کنند.

### تغییر لباس، مقدمه کشف حجاب

خبر گرفتاری حسام الدین فالی از روحانیان شیراز به حوزه علمیه قم، مشهد و تبریز می رسد. در تبریز دو مرجع بزرگوار، یکی آیت الله سید ابوالحسن انگجی و دیگری آیت الله آقا میرزا صادق، درباره تغییر لباس و کلاه شاپو اعتراض می کنند. از تهران دستور تعقیب داده می شود که آن دو نفر توقیف و به سمنان تبعید می گردند. در مشهد هم که دستور تغییر لباس، به همراه خبر جشن شیراز و گرفتاری فالی و تبعید دو نفر از عالمان تبریز، غوغایی برپا می کند و مراجع روحانی را سخت ناراحت نموده، جلساتی برای بحث و گفت و گو درباره این مسایل تشکیل می گردد. در این جلسات، مسأله تغییر لباس مطرح می شود و علما اظهار عقیده می کنند که دنباله تغییر لباس، به برداشتن حجاب منتهی خواهد شد و باید با شدت از آن جلوگیری نمود.

### تغییر لباس پیامد تغییر فرهنگ

تغییر لباس، همواره پیامد تغییر یک فرهنگ است و انسان تا با فرهنگ خود وداع نکند، نمی تواند با لباس خود وداع کند و تا فرهنگ یک قوم را نپذیرد لباس آنان را به تن نمی کند.

درست به همین دلیل است که در احادیث ما آمده است که هر که خود را به گروهی شبیه سازد، هم از آن گروه به شمار می آید. لباس هر انسان، پرچم کشور وجود اوست؛ پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ پیروی می کند. هم چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند، هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دل بسته باشد، لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن به در نخواهد کرد.

گرد همایی مردم در مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد، محل اجتماع و سخنرانی بر ضد لباس بیگانه و اسلام زدایی شده بود. با بازداشت برخی از عالمان مبارز، اجتماعات وسیع تر گردیده و لحن سخنرانان آتشین تر و شعار مردم تندتر شده بود. از مرکز به شهربانی مشهد دستور داده شد که واعظان معروف شهر را دستگیر کنند. اما گردهمایی فزاینده مردم در مسجد گوهرشاد برای شنیدن سخنان واعظان و روحانیان، بیش تر شد. علما و مجتهدان در منزل یکی از مراجع اجتماع کرده و تصمیم گرفتند که تلگرافی به شاه مخابره و او را از اقدامات ضد دینی اش منصرف سازند. این تلگراف به امضای هشت تن از علمای متعهد ارسال گردید. سپس خطبای معروف و مشهور چون شیخ مهدی واعظ خراسانی، شیخ عباس علی محقق و شیخ بهلول در مسجد گوهرشاد به منبر رفتند و مردم را بیش از پیش آگاه ساختند.

### حمله به مسجد گوهرشاد

صبح جمعه ۲۰ تیر سال ۱۳۱۴، قزاقان رضاخان برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند و بی محابا به روی مردم تیراندازی کردند و در این ماجرا، حدود یک صد نفر کشته و زخمی شدند. اما مردم متفرق نگشتند و مقاومت کردند. پس از این هجوم، مردم از اطراف با ابزاری از قبیل داس، بیل و چوب و... به طرف مسجد سرازیر شدند. مسجد گوهرشاد لبریز از جمعیت گردید. روحانیان به ترتیب بر بالای منبر حضرت صاحب الزمان (عج) قرار گرفتند و به سخنرانی پرداختند. روز شنبه ۲۱ تیرماه در مسجد؛ شعارهای ضد سلطنت و ضد حجاب زدایی داده می شد و مسجد یک پارچه سرود مقاومت سر داده بود. وحشت مقامات دولتی را فرا گرفت. سرانجام رضاشاه دستور داد که همه را دستگیر و مجازات نمایند. سران شهربانی و آگاهی، نیروهای خویش را هماهنگ کرده، قرار گذاشتند پس از نیمه شب، تهاجم خود را آغاز نمایند. قزاقان نیز از قبل در نقاط حساس شهر و اطراف مسجد گوهرشاد مستقر شدند و مسلسل های سنگین را بر بام های مشرف به مسجد کار گذاشتند.

### حیله اسدی، نایب التولیه آستان قدس رضوی

قزاقان و نیروهای شهربانی و آگاهی که در اطراف مسجد و نقاط حساس شهر مشهد مستقر شده بودند، شایع کردند که برای حفاظت از بانک ها آمده اند. اسدی، نایب التولیه رضاشاه، از نقشه کشتار مطلع شد و چون می دانست که مجتهدان هم در مسجد هستند، درصدد برآمد که آن ها را از آن جا خارج کند. از این



رو، به دروغ پیغام فرستاد که تلگراف شما را اعلی حضرت همایونی پاسخ گفته، تشریف بیاورید برای مذاکره و با این حيله مجتهدان را از کشیک خانه به مسجد دارالتولیه کشاند. او می دانست اگر مجتهدان و عالمان طراز اول در این حمله و یورش کشته شوند، خراسان یک پارچه آتش خواهد شد و این آتش، گسترش خواهد یافت و دیگر به هیچ روی نمی توان از آن جلوگیری کرد. پس با این حيله علما را از مسجد خارج ساخت.

### فتح مسجد گوهرشاد

پاسی از نیمه های شب دوازدهم ربیع الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل های قزاقان، حرم مطهر امام رضا علیه السلام را به لرزه انداخت و سربازان شاه، به فرماندهی سرلشکر ایرج مطبوعی، برای فتح مسجد گوهرشاد به حرکت درآمد. عده ای از مأموران مخفی رژیم، پیش تر وارد مسجد شده بودند و قرار بود آن ها از داخل وارد عمل شده و راه را برای ورود نیروهای رضاخان به داخل مسجد هموار کنند و چنین شد. دژخیمان اسلحه به دست، پا به درون خانه خدا گذاشتند و همه مسجدیان را از دم تیغ گذراندند.

### توقیف علما و روحانیان

از روز یکشنبه ۲۲ تیر، دولت به توقیف و بازداشت علما و روحانیان مشهد اقدام نمود و عده ای از علما را توقیف کرد و عده ای از آن ها هم مخفی شدند. از جمله توقیف شدگان، آیت الله سید یونس اردبیلی و آقازاده، فرزند آخوند ملامحمد کاظم بودند. بیش از سی نفر از عالمان و واعظان را دستگیر کردند و شهر تقریباً حالت حکومت نظامی به خود گرفته و ورود و خروج اشخاص به شهر، مستلزم داشتن جواز بود. مأموران برای دستگیری شیخ بهلول جایزه تعیین کرده بودند. پس از رفع غائله، اداره شهربانی برای پیدا کردن عاملان واقعه دست به کار شد و عده ای تحت بازجویی قرار گرفتند و در نتیجه، اسدی، نائب التولیه آستان قدس هم که یکی از محرکان معرفی شد، بلافاصله دستگیر شد و تحت محاکمه قرار گرفت و در دادگاه نظامی به اعدام محکوم گردید.

### اهانت به آستان قدس رضوی

کشتار دسته جمعی مردم مشهد و دستگیری و محاکمه عده ای از علما و محکوم کردن جمعی در دادگاه های نظامی و صدور مجازات های سنگین و حکم اعدام برای عده ای، رفته رفته در کشور موجب گفت وگوها و ابراز نارضایتی هایی گردید و مردم در مورد دیانت رضاخان دچار تردید شدند؛ زیرا مردم آن چه در صحن حضرت رضا دیده بودند، برای یکدیگر بازگو کرده و این همه قساوت و خون ریزی را تقبیح می کردند؛ چرا که نظامیان، حرمت آستان قدس رضوی را رعایت نکرده و در این مکان مقدس، خون هزاران بی گناه را بر زمین ریخته بودند.

### سخن رهبر کبیر انقلاب

رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله در خصوص تغییر لباس و کلاه چنین بیان داشتند: «... آن هایی که این قدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس مانده درندگان اروپاست، ترقی کشور می دانند، با آن ها حرفی نداریم که آن ها از ما سخن خردمندانه را بپذیرند و عقل و هوش و حس آن ها را اجانب دزدیده اند... . آن روز که کلاه پهلوی سر آن ها گذاشتند، همه می گفتند: مملکت باید شعار ملی داشته باشد، استقلال در پوشش دلیل استقلال مملکت و حافظ آن است. چند روز بعد، کلاه لگنی [شاپو] گذاشتند سر آن ها، یک دفعه حرف ها عوض شد. گفتند: ما با اجانب مراوده داریم. باید همه هم شکل باشیم تا در جهان با عظمت باشیم. مملکتی که با کلاه عظمت برای خود درست می کند یا برایش درست می کنند، هر روزی کلاهش را ربوندند، عظمتش را هم می برند».

### قیام مسجد گوهرشاد، نقطه اوج مبارزات

قیام مسجد گوهرشاد و کشته شدن هزاران نفر از مردم و روحانیت و تبعید و زندانی شدن جمع بسیاری از آن ها، نقطه اوج مبارزه های بر ضد رضاخان بود و از آن واقعه جان گداز تا سقوط پهلوی اول و دوم، این مبارزه هم چنان ادامه داشت تا این که خداوند متعال، پاداش این مبارزات و از جان گذشتگی ها را، پیروزی انقلاب اسلامی، که از بزرگ ترین انقلاب های تاریخ است، قرارداد و این ملت را به نعمت استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی آراسته و مفتخر ساخت و عظمت اسلام را زنده نمود و آن را مقدمه ای برای ظهور و قیام شمشیر انتقام گیری و عدالت فراگیر و نابودی بت های گسترده عالم گیر، حضرت مهدی موعود(عج) قرار داد.

## تیرماه؛ روز حجاب و عفاف

پایبندی بانوان به حجاب، آنان را در رسیدن به مدارج عالی معنوی کمک می‌کند و از سقوط به پرتگاه-هایی که در سر راه آنان قرار دارد مانع می‌شود.

## نامگذاری روز حجاب و عفاف

بیست و یکم تیرماه سالروز قیام مردم مشهد علیه کشف حجاب به عنوان روز عفاف و حجاب نامگذاری شده است. روزی که دژخیمان رضاخان مردم معترض به کشف حجاب را درمسجد گوهرشاد به خاک و خون کشید.

## توطئه‌ی کشف حجاب

یکی از پلیدترین توطئه‌های دشمنان اسلام در تاریخ معاصر، توطئه‌ی کشف حجاب است. رضاخان-که با طرح کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و با حمایت و هدایت انگلیسی‌ها بر سر کار آمد- درصدد اجرای تز اسلام‌زدائی و جایگزینی ارزش‌های لیبرالیستی در جامعه بود. از مهم‌ترین جلوه‌های این طرح، پدیده‌ی کشف حجاب بود. برای آماده ساختن زمینه‌ی کشف حجاب، مجلس، در ششم دی‌ماه ۱۳۰۷ قانون متحدالشکل نمودن البسه را تصویب کرد که بر اساس آن، پوشیدن کت و شلوار و کراوات و کلاه فرنگی، برای مردان الزامی شد.

تلاش‌های رضاخان، باعث شد تا عده‌ای از زنان غرب‌زده، به‌ویژه زنان درباری و دولتمردان، به صورت بی‌حجاب یا بدحجاب، در مجامع و معابر عمومی ظاهر شوند و مردم نیز تحت تأثیر اختناق و ظلم رضاخانی، حساسیت لازم را از خود نشان ندادند.

در سال ۱۳۱۳ رضاخان عازم ترکیه شد و با مشاهدی تغییراتی که رژیم لائیک ترکیه به رهبری مصطفی‌کمال آتاتورک در جهت غربی کردن جامعه‌ی مسلمان ترکیه اجرا کرده بود، تحت تأثیر قرار گرفت

و شدیدتر از گذشته، در راستای اسلام‌زدائی و به‌ویژه حجاب‌زدائی گام برداشت. در بهمن ۱۳۱۳، در افتتاح دانشگاه تهران، به دختران دستور دادند که بدون حجاب به تحصیل مشغول شوند.

به بهانه تمدن رضاشاه در ۱۱ آذر ۱۳۱۴ به محمود جم که در پی استعفای فروغی از سمت نخست وزیری جایگزین وی شده بود گفت: «این چادر چاقچورها را چطور می‌شود از بین برد؟ نزدیک دو سال است که این موضوع، سخت مرا به خود مشغول داشته است؛ خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم، دیگر از هرچه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است....»

وزیر گفت: اگر شخص اعلی حضرت همایونی پیش قدم شوند، مردم همه تأسی خواهند کرد؛ که از قدیم گفته اند: «الناس علی دین ملوکهم»، شاه پس از شنیدن سخنان او چند لحظه تأمل کرد و در حالی که به نظر می‌رسید قبلاً در این زمینه هماهنگی شده است، پاسخ داد: بسیار خُب! دیگران که اقدام نمی‌کنند، من پیرمرد حاضرم جلو بیفتم و سرمشق شوم!

#### گوهرشادرخون

رضاشاه در آغاز اجرای برنامه‌های ضداسلامی خود، دستور داد در شبکه چپی‌های مشهد و رفتگران تهران کلاه شاپو (کلاه تمام لبه فرنگی) بر سر گذارند. اجرای این برنامه از ابتدا خرداد ۱۳۱۴، علاوه بر شایعات مربوط به کشف حجاب، در مشهد تلاطمی ایجاد کرد. سرانجام آیت الله قمی پس از مشورت با تعدادی از رجال و روحانیان، برای جلوگیری از کشف حجاب و استفاده از کلاه شاپو، در ۹ تیر ۱۳۱۴ به تهران سفر کرد.

محاصره محل اقامت ایشان در شهر ری از سوی حکومت، یکی از عوامل اصلی خشم و خروش مردم مشهد گردید و به کشتار بیرحمانه در مسجد گوهرشاد در ۲۱ تیرماه انجامید. آیت الله قمی مدتی پس از این کشتار، به عتبات عالیات تبعید شد و مأموران شهربانی درصدد دستگیری دوستداران ایشان از جمله شیخ محمدتقی بهلول برآمدند. شیخ محمدتقی بهلول برای پیگیری اوضاع و جویا شدن از احوال شیخ قمی

به مشهد رفته بود که مأموران شهربانی، در پی مداخله زائران و خدام برای فراری دادن وی، او را در صحن کهنه زندانی کردند. ولی مردم در صحن جمع شدند و با حمله به مأموران، ایشان را آزاد کردند.

بهلول به مسجد گوهرشاد رفت و در آنجا به مبارزه خود ادامه داد. با اینکه شهربانی چندین بار وارد عمل شد و حکم متفرق شدن مردم را داد، نتیجه ای نگرفت تا اینکه به درخواست استاندار، فرمانده لکشر، مأموریت را به هنگ پیاده داد و آنها اطراف مسجد و حرم را محاصره کردند و تعداد زیادی از زوار (دو هزار نفر) را به قتل رساندند.

### به جرم عفاف

در دوران کشف حجاب، بسیاری از بانوان که نمی خواستند بدون حجاب خارج شوند، در خانه ها ماندند و عده ای فقط شب ها رفت و آمد می کردند و در برخی خانه ها به ناچار حمام ساخته شد. کسانی هم که امکانات بیشتری داشتند، فرار را بر قرار ترجیح دادند و ترک دیار کردند.



حجاب باعث حفظ بنیان خانواده بوده و نبودش باعث فحشا و تزلزل خانواده است

حجاب و عفت

دو واژه‌ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است .

بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش‌تری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش‌تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

### آثار و اهمیت حجاب

موفقیت‌های معنوی :حجاب بالهای فرشته‌های زمین است ، زن پوشیده از بین خود و خدای خود ، خداوند را برگزیده است و از بین احکام دین و خواسته‌های نفس به احکام دین رو کرده است.

مصونیت و آرامش زن : زنی که دیده نشود مورد طمع قرار نمی‌گیرد امنیت و آرامش خاطر از آثار بارز حجاب اسلامی است انسان در پناه محافظ، احساس آرامش بیشتری دارد پوشش دینی نیز نگهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌بخشد و هر چه این پوشش کامل‌تر گردد درصد امنیت و حفاظت آن بالاتر می‌رود.

سلامت و زیبایی : حجاب اسلامی تجلی زیبایی‌های معنوی زن است بدون شک حجاب دینی ، زن را از آفات و بیماری‌های بسیاری بیمه می‌کند و می‌تواند طراوت و جمال او را پایدار سازد . زحمت حجاب حق بیمه‌ای است که زن برای حفظ آرامش و سلامت آرامش خود می‌پردازد زیرا حجاب پرده‌ای است که از ورود تیرهای نگاه سخنان بیهوده و مشکلات دیگر به درون محیط امن او جلوگیری می‌کند زن بی حجاب آسیب پذیر است وقتی که زن از حجاب دینی خود خارج می‌گردد آفات فراوانی سلامت او را از بین می‌برد. حجاب زن را پاینده‌تر، سالم‌تر و پاکیزه‌تر نگاه می‌دارد.

کاهش مفاسد: پوشیدگی زنان و رفتار متین جوانان در اجتماع همواره سدی محکم در برابر وسوسه های شیطانی بوده است. مقایسه آمار جنایات جنسی در جامعه نشان می دهد که زنانی که دارای پوشیدگی و محجب هستند نقش مهمی در کاهش مفاسد اجتماعی دارند زیرا بسیاری از جنایات جنسی، با عفت و پاکدامنی جوانان و حجاب زنان از بین می رود. وقتی که عفت در نگاه و رفتار و کردار وجود داشته باشد تحریکات جنسی هیجانانگیز و عشقهای کاذب که بسیاری از جوانان را گرفتار کرده است نیز از میان می رود و سلامت اخلاقی نیز بر جامعه حاکم می شود.

حفظ بنیان خانواده: حجاب باعث حفظ بنیان خانواده بوده و نبودش باعث فحشا و تزلزل خانواده است. یکی از دلایل کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده به دلیل زیاد شدن زنان بی حجاب و بی بند و بار و آرایش کرده و عشوه گر است؛ چرا که زنان رنگارنگ و آرایش کرده در همه جا حاضر بوده و مردان با دیدن و ارضاء شدنشان کمتر به تشکیل خانواده فکر کرده و تصور می کنند با ازدواج خود را محدود خواهند کرد.

زنان با حجاب خود هم در تحکیم خانواده شخصی خود نقش دارند و هم در تحکیم خانواده دیگران. اما نقش آن ها در تحکیم خانواده خود، به این لحاظ است که اعتماد شوهر را به پاکی خود جلب می کنند. اما نقش آنها در تحکیم خانواده دیگران، مردان دیگر از تمتعات خارج از خانواده محروم می باشند لذا به همسران خود بیشتر توجه می کنند.

از سوی دیگر رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان در برابر مردان یکی از مولفه های سامان دهنده روابط سالم زن و مرد در اجتماع است و زنان را از صورت کسانی که خواسته یا نا خواسته رقیبانی در برابر همسر مردان قرار می گیرند و مردان را به خود و زیبایی های خود می خوانند، خارج می کند و جاذبه های همسران را برای یکدیگر و درون خانواده نگه می دارد و باعث پدید آمدن جاذبه های بیشتر همسران برای یکدیگر می شود و از این راه به استواری بنیان خانواده کمک می کند.

شورای فرهنگ عمومی کشور، سالروز قیام مردم مشهد را علیه کشف حجاب، به عنوان روز عفاف و حجاب نام گذاری کرده است. قیام مردم مشهد و واقعه ی مسجد گوهرشاد در مقابله با کشف حجاب، مصداق بارز مبارزه با منکری است که هنوز متأسفانه آثار شومش در کشور ریشه کن نشده است. حمله ی

قزاق‌های رضاخانی به مسجد گوهرشاد و مقاومت مردم مشهد نشان از پیشینه‌ی درخشان مردم خطه‌ی خورشید، در مقابله با تهاجم فرهنگ غرب محسوب می‌شود<sup>۱</sup>

بسمه تعالی

آنچه که تبلیغ را شیرین و مؤثر می‌کند....

نویسنده: مریم گلچین: معاون فرهنگی حوزه علمیه حضرت ولی عصر عج

یکی از راهکارهای مؤثر در تبلیغ و جذب حداکثر مستمعان، توجه به مخاطبین مجالس دینی است. از جمله حاضران و مستمعان مجالس سخنرانی دینی و تبلیغی، دختران خردسال و نوجوانی‌اند که با مادرانشان در این جلسات حاضر می‌شوند و با توجه به سن خاص خود می‌توانند به خوبی از این مجالس بهره‌مند شوند.

از آنجائیکه این جمع دختران خردسال و نوجوان در آینده‌ای نزدیک بانوان جوان حکومت اسلامی و مادران آینده‌ی جامعه خواهند شد و در پست‌ها و مشاغل مختلف اجتماعی و مهمتر از آن بعنوان مدیران خانواده‌ی خود و بانوان اثر گذار و سرنوشت ساز جامعه فعالیت خواهند کرد، آشنایی آنان با مسائل اعتقادی و اخلاقی بسیار لازم و ضروری است و حضور آنان همراه مادرانشان در اینگونه مجالس، فرصت مغتنمی بشمار می‌آید که مبلغین محترم می‌توانند به خوبی از آن استفاده کنند و با برخوردی متین و شایسته با آنان و جلب توجهشان، مباحث

---

<sup>۱</sup>-arzandetrinzint.blogfa.com.

<sup>۲</sup>-howzeh.net.

<sup>۳</sup>-nlai.ir.



اعتقادی دینی و اخلاقی مورد نیاز آنان را به نحوی جذاب به آنان القا نموده و بیاموزند به طور مثال: وقتی مواجه شدیم با جوانانی که در وسط سخنرانی مشغول صحبت با هم هستند و یا سؤالات پی در پی و شبهه انگیز از مبلغ می‌کنند، مبلغ باید با آرامش تمام و نگاه محبت آمیز به آنان نظر کند و سپس با صبر به صحبت‌های آنان گوش دهد، تا جایی که بتواند به اعتراضات و سؤالات بحث برانگیز آنان با دقت و حفظ خونسردی بشنود و به یک یک مطالب آنان پاسخ دهد، مجلس را کنترل نموده و ضمن تعریف و تمجید از جوانان و روح لطیف و ذهن پرسؤال آنان و حفظ احترام مدعوین را نموده و سپس با برگرداندن مجلس به آرامش قبلی، مباحث را ادامه دهد.

البته عنوان نمودن بعضی مباحث مورد نیاز آنان و مشارکت دادن خودشان در بحث و فرصت اظهار نظر به بهترین وجه آنان را علاقه‌مند به شرکت در مباحث دینی نموده و آموزه‌های اعتقادی را در آنان تثبیت می‌نماید.

مبلغین محترم در این راستا باید با متانت، صبر و تدبیر لازم در برخوردشان آنان را تشویق و ترغیب به حضور مستمر در این جلسات نموده و خاطره‌ای خوش و ماندگار را در ذهن آنان به جای گذارند.

## میلاد حضرت معصومه علیه السلام

صدای شادی افلاکیان از کوچه پس کوچه های مدینه به گوش می رسد. از خانه ساده و با صفای امام کاظم علیه السلام، نوری به آسمان برخاسته است. ستاره ها نورانی تر شده اند و ماه، همچون خورشید می درخشد. صدای گریه ای سکوت آسمان ها را شکسته، انتظار عاشقانه پدری را به پایان رسانده، و لب های پر از نور پیشوای هفتم را به لبخند زینت داده و بر امامان، حضرت رضا علیه السلام همدمی بخشیده، تا زینبی دیگر برای حسینی دیگر باشد. آری، مدینه از شمیم فاطمه معصومه علیها السلام معطر شده است.

## زندگینامه حضرت معصومه سلام الله علیها

حضرت فاطمه معصومه (س) در سال ۱۷۳ هجری در مدینه دیده به جهان گشود و در خانه ای بزرگ شد که پدری چون امام کاظم (ع) و برادری چون حضرت رضا (ع) در آن می زیست.

نام مادر آن حضرت را «خیزران»، یا «نجمه» یا «اروی» گفته اند که بانویی لایق و پاک و با ایمان بود و چون حضرت رضا (ع) را به دنیا آورد، به لقب «طاهره» آراسته شد.

فاطمه معصومه (س) در دامان ایمان و پاکی رشد کرد و در چشمه عفاف و عصمت و علم و حکمت به طهارت روح و جان رسید. نسب و تبارش نبوی، فاطمی و علوی بود. جدّ او از طرف مادر از نسل امام حسن مجتبی (ع) و از طرف پدر از نسل امام حسین (ع) بود. از این رو در زیارت نامه اش خطاب به او گفته می شود: «السلام علیک یا بنت الحسن و الحسین.»

عبادت و ادب، شاخ و برگ روییده بر آن «سرو پاک دامنی» بود. ویژگی های روحی و خصایص فردی و خلق و خوی والایش سبب شده بود که او را کریمه خاندان رسالت بنامند و با این لقب در زبان عالمان و فقیهان شیعه از او یاد می شد؛ لقبی که از میان بانوان اهل بیت، تنها مخصوص او بود.

لقب های دیگر او هر کدام گویای فضایل اوست؛ همچون: «محدثه»، «عابده»، «مقدمه» و «معصومه». این القاب پاک، یادآور حضرت زهرا (س) است که حضرت معصومه (س) هم شرافت و نجابت را از آن بانو به ارث برده است.

ولادت امام رضا علی السلام:

امام رضا علیه‌السلام در یازدهم ذی القعدة سال ۱۴۸ قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود و عالم هستی را با انوار الهی و ذاتی خویش، منور ساخت.

گرچه برخی از مورخان و سیره نگاران تاریخ تولد آن حضرت را در یازدهم ذی الحجه سال ۱۵۳ و برخی دیگر یازدهم ذی القعدة سال ۱۵۱ و یا سال ۱۵۳ قمری ذکر کرده‌اند، ولیکن معروف و مشهور میان علمای ما، همان ذی القعدة سال ۱۴۸ قمری، چند هفته پس از شهادت جدش امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌باشد .

## مادر امام رضا علیه السلام

مادر آن حضرت نجمه خاتون می باشد. هشام بن احمد یکی از اصحاب حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام گوید: روزی حضرت به من فرمود: آیا کسی از طرف مغرب زمین آمده که بنده و کنیزی آورده باشد؟

گفتم: نه

حضرت فرمود: چرا، یک نفر آمده، بیا نزد او برویم، پس سوار شدیم و رفتیم دیدیم مردی از اهل مغرب تعدادی برده و کنیز آورده .

حضرت به آن مرد فرمود: کنیزان خود را به ما نشان بده و او ۹ کنیز نشان داد ولی حضرت هیچ کدام آنها را قبول نکرد و فرمود: به اینها حاجتی نیست، کنیز دیگری به ما عرضه کن .

آن مرد گفت: دیگر ندارم .

حضرت فرمود: چرا، کنیز دیگری هم نزد تو هست .

آن مرد گفت: به خدا قسم فقط یک کنیز دیگر دارم که او مریض است. ولی هر چه کردند، او را نشان نداد .

حضرت برگشتند و فردا دوباره مرا نزد او فرستادند و فرمودند: برو و به هر قیمتی که آن کنیز را می فروشد، از او بخر !

هشام میگوید: من آمدم و صاحب کنیز، قیمتی برای آن کنیز تعیین کرد و گفت کمتر نمی گیرم .

من هم پول را دادم و آن کنیز را خریدم .

آن مرد پرسید: شخصی که دیروز همراه شما بود، کیست؟

گفتم: مردی از بنی هاشم. گفت از کدام دسته؟ گفتم: از بزرگان بنی هاشم .

گفت: بیشتر بگو. گفتم: بیشتر نمی دانم.

گفت: پس بشنو تا برایت بگویم، من این جاریه را از سرزمینهای دور مغرب زمین خریدم، زنی از اهل کتاب پرسید: این جاریه کیست که با تو می بینم؟

گفتم: او را برای خودم خریده ام.

آن زن گفت: این کنیز هرگز سزاوار همچون تویی نیست بلکه او باید در نزد بهترین فرد روی زمین باشد و به زودی از او پسری متولد خواهد شد که شرق و غرب عالم به او میگردند .

هشام میگوید: من آن جاریه را نزد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آوردم و چندی نگذشت که از آن جاریه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام متولد شد .

از بعضی از روایات ظاهر میشود که این جاریه را مادر حضرت موسی بن جعفر، حمیده خاتون خریداری فرمود و بعد به آن حضرت بخشیده است .

حمیده خاتون، مادر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، شی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را در خواب دید که به او فرمود: «ای حمیده، این نجمه متعلق به پسر تو است و به زودی بهترین فرد زمین را به دنیا خواهد آورد».

روایت شده است که حمیده خاتون به فرزند گرامی خود، حضرت موسی بن جعفر، عرض کرد: «فرزندم! تکتبم (نجمه) زنی است که من بهتر از او ندیده ام و شک ندارم که نسل او پاک و طاهر خواهد بود. توصیه می کنم با او خوبی کنی.

تکتبم مادر حضرت رضا علیه السلام بود و بهترین زن روزگار خود به شمار می رفت؛ او زنی عابد و پرهیزگار بود و همواره نسبت به خانم خود، یعنی حمیده خاتون، احترام کامل را رعایت می کرد .

همچنین برای مادر حضرت رضا علیه السلام چند نام ذکر شده است که عبارتند از: نجمه - تکتبم - سکن - خیزران - شقراء - اروی - سکینه - ام البنین - سمان و صقر وقتی حضرت رضا علیه السلام متولد شدند آن بانو را طاهره نامیدند .

[۱۲۱](#)

نجمه خاتون، در حدیثی گوید: هنگامی فرزندم رضا را به دنیا آوردم، پدرش امام موسی کاظم علیه السلام به من فرمود: او را بگیر و خوب نگهدار زیرا او بقیه الله در زمین است. حجه الاسلام حمید احمدی جلفایی نویسنده کتاب نجمه خاتون می گوید:

«چنان‌که از نقل شیخ صدوق در عیون‌الخبار و برخی از منابع دیگر فهمیده می‌شود، گویا وجود نازنین امام کاظم(ع) پس از آنکه آن بانوی مخدره را به منزل خود آوردند، ابتدا برای مدتی-که احتمال می‌رود چند ماه بیشتر طول نکشید- آن را به عنوان یک کنیز، به مادرشان حمیده خاتون تحویل دادند و پس از گذشت این مدت، بانو حمید خاتون، دوباره او را به آن حضرت بخشید و در واقع آن بانو را به عقد آن امام بزرگوار درآورد. اینکه می‌گوییم این مدت فاصله، بیش از چند ماهی طول نکشیده است، به خاطر این است که آن بانو، در سال ۱۴۷ وارد مدینه شده است و در سال ۱۴۸، امام رضا(ع) از آن بانو به دنیا آمد و مدت حمل امام(ع) نیز، به اندازه متعارف و طبیعی (یعنی همان نه ماه) بوده است، پس این مدت فاصله، نباید از دو یا سه ماه بیشتر طول کشیده باشد».

شایان ذکر است که از میان امامان معصوم علیهم‌السلام، چهار تن از آنان به واژه زیبای "علی" نامیده شده‌اند و آنان عبارتند از امام اول (علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام)، امام چهارم (علی بن الحسین علیه‌السلام)، امام هشتم (علی بن موسی الرضا علیه‌السلام) و امام دهم (علی‌التقی بن محمدتقی علیه‌السلام).

کنیه آن حضرت، ابوالحسن است و چون کنیه امام موسی بن جعفر علیه‌السلام نیز ابوالحسن بود، کنیه امام رضا علیه‌السلام را ابوالحسن ثانی می‌گویند. لقب‌های شریفش عبارتند از: رضا، صابر، رضی، وفی، فاضل و صدیق .

اما لقب "رضا" شهرت بیشتری دارد و آن حضرت را از این جهت "رضا" نامیدند که پسندیده خدا در آسمان و مورد خرسندی رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمہ اطهار علیهم‌السلام در زمین بود و دوستان و دشمنان به اتفاق از وی خشنود و راضی بودند .

حسرت روی خدا

سمانه فتوحی

روح من این سایه‌ها را درنورد

درنورد این خانه‌ها را درنورد

فج کن رمز حقیقت را، چه باک

گرد گردان بندها را درنورد

آسمان را بندها تعقیب کن

نیمه شب‌ها کهکشانش را درنورد

سر بزن بر حوریان دیرها

پرده‌ی افلاکیان را درنورد

کشف کن راز سرای غیب را

نرم نرمان غیب‌ها را درنورد

سربزن اینبار هم بر عرشیان

مأمن عرش خدا را درنورد

باز هم بالا برو، بر اوج نور

چون نبی، شمس الضحی را درنورد

چشم در چشم خدا، نزدیک شو

این رگ دوری زما را درنورد

غرق کن خود را ز نزدیکی به او

روح من روح خدا را درنورد

نوش باد این شهید قربت روح من

حسرت روی خدا را درنورد

چگونه زبان عربی را به صورت کاربردی بیاموزیم؟

نویسنده: فریده جان محمدی

شماره سوم

در شماره قبل با ساخت و صرف فعل ماضی ساده و ضمائر فاعلی آن در زبان فارسی و عربی آشنا شدیم. در این شماره به بررسی انواع فعل ماضی می‌پردازیم.

ماضی استمراری یا گذشته پیوسته: فعلی است که در گذشته به صورت پیوسته ادامه داشته یا بارها تکرار شده است. این فعل در زبان فارسی با افزودن لفظ «می» به ابتدای فعل ماضی ساده ساخته می‌شود. «می‌رفت، می‌رفتند، می‌رفتی، می‌رفتید، می‌رفتم، می‌رفتیم» این فعل با افزودن حرف نفی «نون» به اول آن منفی می‌شود. «نمی‌رفت، نمی‌رفتند، نمی‌رفتی، نمی‌رفتید، نمی‌رفتم، نمی‌رفتیم».

ماضی استمراری در زبان عربی با کمک فعل ناقصه «کان» و فعل مضارع هم صیغه آن ساخته می‌شود. «كَانَ يَذْهَبُ، كَانَا يَذْهَبَانِ، كَانُوا يَذْهَبُونَ، كَانَتْ تَذْهَبُ، كَانَتَا تَذْهَبَانِ، كُنَّ يَذْهَبْنَ، كُنْتِ تَذْهَبُ، كُنْتُمَا تَذْهَبَانِ، كُنْتُمْ تَذْهَبُونَ، كُنْتِ تَذْهَبِينَ، كُنْتُنَّ تَذْهَبْنَ، كُنْتُ أَذْهَبُ، كُنَّا نَذْهَبُ».

برای منفی کردن ماضی استمراری در زبان عربی سه روش وجود دارد.

روش اول: آوردن حرف نفی «ما» قبل از فعل ماضی «کان»، مانند «ما كان يَذْهَبُ، ما كانا يَذْهَبَانِ، ما كانوا يَذْهَبُونَ، ما كانت تَذْهَبُ، ...».

روش دوم: آوردن حرف نفی و جزم «لم» قبل از مضارع، «کان»، مانند «... لم تکونا تذهبان، لم یکن یدھین، لم تکن تذهب، لم تکونا تذهبان، لم تکونوا تذهبون، ...».

روش سوم: آوردن حرف نفی «لا» قبل از فعل مضارع، مانند «... کنت لا تذهبین، کنتما لا تذهبان، کنتن لا تذهبن، کنت لا اذهب، کنتا لاندھب».

در نثر فارسی قدیم ماضی استمراری گاهی با افزودن «همی» به اول فعل ماضی «همی گفت، همی گفتند، ...»، و گاهی با افزودن «ی» به آخر فعل ماضی «گفتی، گفتندی، ...»، و گاهی با افزودن «می» به اول فعل و «ی» به آخر آن ساخته می‌شده است، «می‌گفتی، می‌گفتندی، ...». این افعال در نثر فارسی جدید کاربردی ندارند.



چگونه خوب بیاندیشیم، خوب در باره اندیشه‌های خود تحقیق کنیم و آن‌ها را مکتوب نماییم

نویسنده: ناهید سلیمانی، مقدم معاون پژوهشی حوزه علمیه حضرت ولی عصر ع

دوستان خوبم، برای ادامه کار تحقیق که به نوشتن مقاله منجر شود، تا طرح و دسته بندی سؤالات پیش رفتیم؛ حال باید پردازشی در باره سؤالات دسته بندی شده انجام دهیم، ابتدا برای هر دسته یک نام و تیترا انتخاب می‌کنیم بعد این نام‌ها و تیتراها را سنجیده و با هدف خود تطبیق می‌دهیم. هر کدام از این تیتراها را که مطابقت بیشتری با هدف داشته باشد را به عنوان موضوع مقاله‌ی خود انتخاب کرده. همان موضوع را به همراه چیست به عنوان سؤال اصلی در نظر می‌گیریم، در مرحله‌ی بعد تیتراهای بعدی را که هر کدام یک صفتی از موضوع است را همراه موضوع باضافه‌ی آن صفت و باضافه‌ی چیست آورده تا سؤالات فرعی شکل بگیرد؛ تا اینجا فصل‌ها و قسمت‌های مختلف مقاله مشخص شده است.

حال باید تیتراها را دسته بندی کرد و اول و دوم آن‌ها را با یک ترتیب منطقی شماره گذاری نمود، اکنون سؤال‌های موجود در هر یک از این تیتراها رابه ترتیب منطقی از کلی به جزئی مشخص کرده و برای

هر کدام از این سؤال‌ها یک صفحه‌ی جدا در نظر می‌گیریم و مطالب آماده کرده را در این صفحه‌ی مشخص می‌نویسیم.

بعد از جمع آوری مطالب اکنون آماده هستیم تا شکل منسجمی به مقاله بدهیم. لازم به ذکر است که چگونه باید به هدف و موضوع مورد علاقه دست پیدا کرد که ان شاء الله در شماره‌ی بعدی بیان می‌شود.

## عرصه فراخ خیال

(منظری بر مشابَهت‌های تصویرسازی شاعران و سینماگران)

فریده صدائی\*

چکیده

عالم خیال ۱ عالم هنر و هنرمندی است. ذهن هنرمند گنجینه ذخایر صور و اندیشه‌هایی است که در اثر او متبلور می‌شود. به عبارتی دیگر هنرمند مفاهیم ذهنی خویش را به مدد قوه خیال و اعجاز ترکیب رنگها به تصویر در می‌آید یا بر پیکره سنگ آنرا برپا می‌دارد یا به صورت تصویر متحرک درمی‌آورد یا به نغمه و لحن بدل می‌کند و یا در کالبد کلمات می‌ریزد و جانی دوباره به آنها می‌بخشد. هر چه اندوخته او بواسطه قوه ادراک و تخیلش غنی تر باشد، اثر فاخرتری را خلق می‌کند و از تکرار و ملال، فاصله می‌گیرد. از میان مظاهر متنوع هنری جلوه‌گری مناظری که شاعران و سینماگران خلق می‌کنند، گاه چنان قرابت و نزدیکی می‌یابد که امکان تعبیرپذیری به هم را فراهم می‌کند. در این مقاله سعی شده است شباهتهای خلق تصاویر شعری و سینمایی و شیوه مشابهی که آن دو را در روند تفکر هنری یاری می‌کند را مورد بررسی و نگرشی تحقیقی قرار داد.

کلید واژه‌ها: هنر، خیال، شعر، سینما، تصویر، تصویرسازی.

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

Farideh\_sedaei@yahoo.com

درآمد

هنرمند به مدد توانایی ادراک، تقویت سواد بصری (Visual Literacy) و قدرت تصور و تجسم، نخست در ذهن پرتکاپویش دست به آفرینش می زند. آنچه را که نقاش با رنگ و ایجاد سایه روشن، شاعر با کلمات و موسیقی‌دان با نغمات بیان می کند، بازتابی از «تصویر ذهنی» (Image) است. نقشی است نامکرر که از آینه خیال منعکس شده و در همه این مظاهر هنری و جلوه‌گری‌ها تنها شکل بیان است که متفاوت است. همه از اندیشه و احساس، تجربه و تخیل هنرمند نشأت گرفته است؛ در مورد سینما نیز همین روند آفرینش صدق می کند، جهان درونی سینماگر و سینه پر مشغله او برای ابراز و بیان راهی جز انعکاس آن تصاویر بر پرده نقره ای سینما نمی‌شناسد.

### تصویر و تصویرسازی

هرگونه برخورد انسان با جهان پیرامونش و هر جلوه و بازتاب واقعیت در ذهن، سرانجام به صورت «تصویر ذهنی» (Image) در می‌آید. تصاویر ذهنی ابتدا به صورت نمادین یعنی به شکل کلمه، تصویر، نشانه، رمز و مانند آن در ذهن منعکس می‌شود و به صورت «حافظه» در می‌آید، و سپس از طریق «تخیل» (Imagination) پایه تفکر قرار می‌گیرد. در واقع انسان، به کمک تصاویر ذهنی، که زائیده تجربه و یادگیری است، علائم جهان واقعی را دریافت می‌دارد، آنها را تجزیه و ترکیب می‌کند و دست به استنتاج می‌زند، و بدین وسیله به شناخت جهان و تغییر آن موفق می‌گردد. (امید، ۱۳۶۹: ۲۸۷)

تصاویر ذهنی بیش از همه بر ساخته و بر پایه اندوخته‌های حسی هستند، اطلاعاتی که دو حس بینایی و شنوایی در اختیار قوه ادراک می‌گذارند، به مدد توان نظم و نبوغ ترکیب بخشی ذهن، منبع غنی تفکر را فراهم می‌کند؛ از همین روی گاهی از این دو حس به عنوان «حواس فکری» یاد می‌شود. (امید، ۱۳۶۸: ۲۲۳)

معبّر ارتباطی آدمی با جهان پیرامونش از طریق تصاویر دیداری و شنیداری گشوده شده است و البته نقش تصاویر دیداری به مراتب از دیگری مهم تر و تأثیرگذارتر است. گواه این تأثیر شگرف، تمامی مظاهر هنراست که به جز موسیقی همگی از ذخایر حس بینایی سرچشمه می‌گیرند.

تصاویر ذهنی به پشتوانه ذخایر غنی ذهن خلاق و پرنشاط، تاب و توان کافی برای ابداع و یا بازسازی دنیایی متفاوت را در اختیار هنرمند می‌گذارند. تصویر ذهنی هنرمند گرچه بر انعکاس تصاویر و واقعیت بیرونی استوار شده است، اما در روند تفکر هنرمندانه به واقعیتی نوین و پدیده‌ای نو ظهور مبدل می‌گردد و زمانی که توسط تصویر هنری نمود عینی می‌یابد، طرح نویی را در معرض نمایش می‌گذارد. (خسروی، ۱۳۶۹: ۹۵۱)

در تفکر هنری اندیشیدن درباره واقعیت است و حرکت به سوی بازآفرینی آن از طریق تصویرسازی است. این گونه شناخت و تفکر جنبه عاطفی و درونی دارد، زبان آن هم تصویری و مشخص است. ابزار ذهنی در تفکر هنری، تصویرسازی (Imagery) است. (امید، ۱۳۷۰: ۲۲۶) تصویرسازی بر دریافت و ادراک استوار است؛ هنر بر سر آن است تا هرچه بیشتر با تصویر ابراز و تجلی پیدا کند. هنرمند با تصویر احساس می‌کند و با تصویر است که می‌اندیشد. بی شک بدون قدرت تصویرسازی هیچ اثر هنری به وجود نمی‌آید. تصویر

ذهنی هنرمند، نگرش و برداشت خاص اوست از جهان پیرامونش و تصویری است یکپارچه از یک پدیده زندگی، با معنایی نو که بدو بخشیده شده است.

## تصویرسازی سینمایی

سینما یکی از اشکال هنر و به نوعی پیچیده ترین هنرهاست، چرا که تقریباً حاصل مشارکت و تلفیق هنرهای پیش از خود است؛ به عبارتی نتیجه اختلاط عناصر گوناگونی است که در آن عناصری از نمایشی صحنه پردازی، گفتگو، حالات و حرکات؛ از نقاشی: ترتیب، شکل، قالب، بافت، رنگ و نوپردازی؛ از موسیقی: آهنگ و هماهنگی؛ از رمان: ساختار روایت، داستانگویی و شخصیت پردازی و از شعر نمادگرایی، استعاره و سایر شیوه‌های بیانی را می‌توان یافت. (جینکز، 1381: 16)

ادبیات و سینما دو مقوله متفاوتند و هر یک ساز و کاری مجزا دارند. اما اگر اصرار بر تفاوت بنیادی این دو کاسته گردد و بر شباهت‌ها بیشتر تکیه شود، آن گاه با قیاس عناصر مشابه در این دو، شاید به نتایج مفید و جالب توجهی بتوان دست یافت. تا کنون بحث‌های نظری بی شماری درباره نسبت ادبیات با سینما مطرح شده است، البته منظور بحث «اقتباس ادبی در سینما» نیست - که این گوشه کوچکی از موضوع است - بلکه بیشتر مشابهت‌های بیانی این دو در نظر است. هیچ هنری یکباره شکل نمی‌گیرد و زمانی که زبانی را اختیار می‌کند، وامدار هنرهای پیشین خود است. سینما که به جمع‌آوردن همه هنرهای پیشین در خود اذعان دارد، شاید بیش از همه، از ادبیات وام گرفته باشد.

توانایی سینما در بکارگیری و تصرف عناصر و شگردهای بیان هنری است. تکنیکی که در سیر تحول تاریخی توانست سینما را پدید آورد و به آن هویتی مستقل ببخشد. با وجود تمامی مناسبات سینما با هنرهای دیگر، باید تصویر متحرک را وجه تمایز سینما از سایر هنرها به حساب آورد و حرکت اعم از اینکه مربوط به موضوع باشد یا دوربین، فضا و زمان و وقایع سینمایی را موجودیت می‌بخشد. در گام بعد و مرحله ای کامل تر سینما «هنر حرکت معناساختی» است یعنی ماده اصلی فیلم سینمایی موضوعی نیست که از آن فیلم گرفته می‌شود، بلکه شیوه فیلم برداری از آن است که از یک سلسله تصاویر اثری سینمایی می‌آفریند. (اشکلوفسکی، ۱۳۷۷: ۱۸۳)

«سینما به عنوان هنر، نحوه بیان است با لوازم و قواعد خاص خویش». (آوینی، ۱۳۷۵: ۲۶) هنر تکنولوژیکی است که دوربین و تمام متعلقات آن را بکار می‌گیرد و با بکار بستن و یا فرو گذاشتن هر شگرد و شیوه ای در طی ساخت اثری سینمایی به بیان معنا و مفهومی متمایز دست می‌یابد. این که کارگردان دوربین را به آرامی و کندی به سمت عناصر موجود در صحنه اعم از اشخاص و اشیاء حرکت می‌دهد، یا از قطع (Cut) ناگهانی و سریع، استفاده می‌کند، یا از چه فاصله‌ای می‌خواهد، فیلمبرداری کند، یا مدت زمان (Duration) فیلمبرداری چیست و آیا یک نمای منفرد است یا مجموعه‌ای از پیوند نماها همگی بستگی به تصمیم،

انتخاب، ذهنیت خلاق، ابتکار و تسلط او بر ابزار کارش، دارد. همه این انتخابها القاکننده معنا و مفهوم ویژه ای در سینماست. (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۲۱)

هنر بیان در فیلم همچون شعر مجموع فنون و اسبابی است که به فیلمساز امکان می‌دهد معنی مورد نظر خود را به تماشاگر، با درک متفاوتی از واقعیت انتقال دهد. کاربرد هنرمندانه ابزار بیانی، فیلمساز را در ارائه دقیق و درست معانی مورد نظرش یاری می‌کند؛ به عبارتی دیگر قابلیت کاربرد بیان شاعرانه زبان است که فیلم ساز یا شاعر را قادر می‌کند تا از کاربرد متعارف و رایج زبان رها باشد و بتواند با استفاده از این ویژگی مجازی زبان، اثری بدیع و نو بیافریند و این امکان را به مخاطب بدهد که اثر او را با نگرشی تازه و غیر متعارف دریابد.

در مجموع می‌توان گفت هر چند سینما در نخستین سال‌ها، پدیده‌ای بسیار بدیع و شگفت می‌نمود، اما چنان اختراع منتزع و مستقلی نبوده است که زبانی یکسر دیگرگون طلبیده یا پدید آورده باشد. در سینما، با تکنیکی نوین، تمهیداتی را به کار می‌بریم که برای نامیدن شان ناچار به همان اصطلاحات قدیمی ولی آشنای ادبیات و بخصوص شعر که غالباً زبان و بیان «شعر» را به سینما نزدیک دانسته اند متوسل می‌شویم: مانند استعاره، مجاز، تشبیه و تشخیص و کنایه. این قرابت تا به حدی پیش رفته که حتی گونه‌ای از سینما را پدید آورده است که «سینمای شاعرانه» (Cinematic Poetry /etryCinepo) نامیده می‌شود. هرچند این سینما بیشتر از تأثرات عاطفی و احساسی شاعرانه حکایت می‌کند، ولی در بکارگیری ضرباهنگ و ایجاز تصاویر شعری نیز مهارت دارد.

سینما تباری چند رگه دارد، مبنای اصلی سینما بر ترکیب عناصر بیانی سایر هنرها استوار است. سینما صرفاً هنر خلق «تصاویر متحرک» (Pictures on Moti) نیست؛ گرچه به تعبیر تولستوی «سینما کلید راز حرکت را یافته است» (روشن ضمیر، ۱۳۵۸: ۱۱) اما سینما رشته‌ای از تصاویر متحرکی است که با مجموعه‌ای از فنون و تمهیدات بهم پیوند خورده است که این پیوند نمایانگر دنیای ذهنیت سازنده آن است. تعیین اندازه نماها، زوایای دوربین، طول زمانی نماها، تعیین حرکت عناصر داخل کادر و دیگر تمهیدات سینمایی همگی همچون دستور زبان قاعده و اصول خود را دارا هستند. سینما زبانی ویژه با قواعد نحوی خاص خود را دارد که در طی مدت مدیدی توسط سینماگران پدید آمده است. همچنانکه در بدو تولد یک زبان جایگاه فعل و فاعل، قید و صفت، نهاد یا گزاره با اصولی متقن توسط دستور نویسان معین نمی‌شود، بلکه به علت استفاده مکرر در طی سالهای متمادی به صورت قواعد در می‌آید؛ تعداد بسیاری از شیوه‌ها و تمهیدات سینمایی برای بیان ذهنیت فیلمساز به طور تکوینی حاصل شده است.

«تصویر» کوچکترین واحد معنا در یک متن سینمایی (فیلمیک) است و بسته به نوع نما و وجود عناصر سینمایی تعریف و توصیف می‌شود. برای تصویر نیز همانند «واژه» در جمله، نقش و جایگاهی در یک اثر سینمایی اختصاص دارد. زبان تصویر نظامی است که شیوه کاربرد تصویر را در یک نما برای القای معنا و مفهومی مشخص تعیین می‌کند؛ (هیوارد، ۱۳۸۸: ۵۵) در حیطه هنر، سینما نیز مانند سایر هنرها پیام خود را از طریق زبانی که در طول سالها تکوین و تکمیل کرده است به مخاطب/ تماشاگر فیلم منتقل می‌کند.

البته باید در اینجا به این مسئله تأکید شود که زبان تصویری سینما آمیزه ای از نظامهای ارتباطی است که توأمان تصویر، کلام و صدا را در خلق مفاهیم و معانی خاص خود بکار می‌گیرد و مقایسه آن در این مقاله در سطح شیوه استفاده از تصویر در بیان سینمایی و شعری است و نه تطبیق کامل با تمام مشخصه های زبانی سینما.

زبان تصویر ترجمان ذهنیت سینماگر است که می‌کوشد تا به شکلی حساب شده از عناصر بیانی خویش بهره‌گیرد. هر اندازه این زبان در استفاده مناسب از عناصر غنی‌تر باشد، بینندگان بیشتر قادر خواهند بود تا با لایه‌های عمیق‌تر فیلم ارتباط برقرار کنند. هر تصویر سینمایی بیانگر معنایی است که با شیوه پیوستن به تصاویر دیگر معنای آن تکمیل می‌شود، یک کارگردان صدها راه برای القای مفاهیم و تصوّرات ذهنی‌اش در اختیار دارد. او می‌تواند مانند نقّاش یا عکاس برای القای خشونت از خطوط تیز و شکسته، رنگهای مهاجم، کنتراستهای تند نوری، ترکیب بندی‌های نامتعادل، اشکال حجیم و زوایای روبه بالا و نمای بسته استفاده کند. همچنین می‌تواند خشونت را به واسطه حرکت تند سوژه یا دوربین نشان دهد و یا آنرا بوسیله مونتاز القا نماید. صدا و توانایی‌های آنرا برای القای خشونت بکارگیرد و یا از لحن و شیوه بیان کلامی بیشترین استفاده را برد. (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۰۱) فیلمساز می‌تواند از تمام ظرفیت‌های بیانی هنرهای دیگر مدد گیرد و ذهنیت خویش را مبدل به صحنه ای عینی نماید.

### تصویر شعری

واژه «تصویر» یا «ایماژ» (Image) از سویی به معنای هرگونه تصویر اعم از عینی و ذهنی، در مفهومی کلی بکار می‌رود، ولی در حوزه مباحث هنری و به طور اخص، «Image» به جای «تصویر ذهنی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گستره ای محدودتر در مباحث ادبی ایماژ به عنوان نوعی ابزار بیان در شعر چون تشبیه، مجاز و استعاره اطلاق می‌گردد که معنای بسیار مشخص و در عین حال روشنی را شامل می‌شود. در نوشته‌ها و ترجمه‌های فارسی در برابر واژه «Image» واژه‌های «تصویر»، «نگاره»، «نگار»، «خیال» «تخیل» «تصویر ذهنی»، «صورت خیالی» و «تمثال» استفاده شده است. همچنین در برابر واژه «Imagery» ترکیبات «تصویرسازی»، «خیال‌بندی»، «نگارسازی» بکار رفته است.

لغت‌شناسان «تصویر» را به معنی عکس، صورت ذهنی، پندار، وهم، ابهام و صورتی که در خواب بینند یا بر آئینه بازتابد، معنی کرده‌اند. در فرهنگ اصطلاحات ادبی، تصویر و تصویرسازی هر دو هم معنی‌اند. که در مباحث ادبی به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی اطلاق می‌شود که گوینده با کلمات تصویر می‌کند و نقشی را در ذهن خواننده و شنونده بوجود می‌آورد. همچنین «زبان تصویری» (figurative language) کاربری هنری از زبان است که با شیوه‌های گوناگونی مثل مجاز، کنایه، آرایه‌های بلاغی و بدیعی، زبان را در غیر از محدوده پذیرفته شده آن بکار می‌گیرند تا با انتقال زنده و بی‌واسطه حس خود از تجربه خاصی توفیق یابند. جوهره خلاق در زبان تصویری به یاری عوامل و عناصری در حوزه بیان، بدیع، علوم معنایی و آرایه‌های بلاغی تحقق می‌یابد. (داد، ۱۳۸۷: ۲۶۱)

ایماژ در نزد اکثر ناقدان در حقیقت مجموعه‌امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه اصلی آنرا انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمز و گونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی می‌سازد. واژه «تصویر» و «خیال» دو معادلی است که در این مباحث برای ایماژ ارائه شده است و از این دو نیز واژه «خیال» مقبول‌تر افتاده است. (کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۰) اما در طول این مقاله به دلیل رویکرد خاصی که به شیوه تصویرسازی دارد و با توجه به شیوه مقایسه و تحلیل با تصویر سینمایی، واژه «تصویر» برابر «Image» و برای «Imagery»، «تصویرسازی» برگزیده شده است.

ذهن شاعر دارای نوعی قدرت خلاق است که تمایل به بازنمایی تصویرهای ذهنی اشیاء و پدیده‌ها دارد، ولی این بازنمایی ترکیبی و تلفیقی است که با سبک و روایی تازه و بدیع در شعر نمود پیدا می‌کند. (برت، ۱۳۸۲: ۳۸) برای بازنمایی تصویر با کلمات، انواع فنون بیانی در شعر حضور می‌یابند: تشبیه، استعاره، نماد، حس آمیزی، کنایه، جناسهای آوایی، تمثیل، تلمیح که همگی ذیل عنوان «صور خیال» در شعر قرار می‌گیرند. اعجاز شعر در آن است که بازنمایی ذهنیت شاعر را با فنونی گوناگون و در قالبی مختصر می‌گنجانند؛ ولی نباید این اختصار را در کشف لایه‌های هنرنمایی او نیز بکار برد و به قرار دادن اشعار در ذیل هر یک از انواع صور خیال بسنده کرد؛ هرچند بسیاری ادیبانی که عمری را برای کشف ظرایف هنر شعر صرف کرده‌اند و معترف‌اند که اندر خم بیتی از حافظ سر در جیب تفکر دارند؛ و به حق، گفته‌ها در مورد آنچه که لحظه‌ای در وادی شعر روی می‌دهد تمام‌شدنی نیست. نحوه تنزل و تمثیل حقایق در شعر گاه می‌تواند به ظهور روایتی کاملاً تصویری بیانجامد که این نزول مدام و ناگسستگی است و پیوسته در کار است:

همچنانک از پرده دل بی کلال	دم به دم در می رسد خیل خیال
گر نه تصویرات، از یک مَغرسند	در پی هم سوی دل چون می رسند؟
جوق جوق اسپاه تصویرات ما	سوی چشمه‌ی دل شتابان از ظما
جرّه‌ها پر می کنند و می روند	دایما پیدا و پنهان می شوند

(مثنوی معنوی، دفتر ۶/۲۷۸۰-۲۷۸۳)

### تصویر سازی سینمایی در شعر

زبان تصویری نوینی را که سینما برای بیان اندیشه‌ها و عواطف انسانی ابداع کرد، نگرش تازه‌ای را در شعر و داستان گسترانید و کسانی چون آلن پو، جویس، هنری جیمز، فالکنر، ازراپوند، الیوت، به امکانات جدیدی در زبان شعر و بیان داستان دست پیدا کردند، ازراپوند که از شاعران مکتب ایماژیسم است تلاش کرد تا انتزاعی‌ترین مفاهیم را با یک تصویر حسی و دیداری بازگو کند.

از نخستین سالهای هنرنمایی سینما بسیاری از ادبا و ناقدان ادبی دو رویکرد مهم در مورد سینما و شیوه‌ای که در بیان تصویری خود بکار می‌برد داشته‌اند. یکی تلاش برای بکارگرفتن شیوه بیان تصویری در داستان گویی و شعر پردازی که به خلق آثاری نو بویژه در حیطه رمان نویسی منجر شد و دوم تلاش برای



کاویدن آثار ادبی و یافتن مشابهت در بیان هنری سینما و ادبیات که این رویکرد تا به حال نتایج مفیدی را به ویژه در زمینه نقد ادبی در پی داشته است. از آنجایی که رویکرد دوم با موضوع مقاله مرتبط است در اینجا به آن اشارتی می شود. پیشینه تحقیق در این زمینه بیشتر در مورد شاعران مغرب زمین یعنی در زادگاه سینما و ممالک اطراف آن برمی گردد و نتیجه ای که تا به امروز حاصل شده به تطبیق مواردی مشابه در تصویرسازی سینما و ادبیات منجر شده است. بیشتر این موارد در دو مبحث اصلی یعنی مشابهت یابی در موقعیت و موضع گیری دوربین/دیدگاه اصلی (Camera Positioning) و شیوه پیوستن تصاویر شعری و تدوین (Editing) است.

ولی با تحقیق و مطالعه اشعار سخنوران فارسی موارد بسیار متنوع تری را در این دو ساحت هنر (سینما و شعر) می توان سراغ گرفت، مقاله پیش رو تلاشی برای گشودن این دریچه به مناظر بدیعی است که سالهاست در اذهان شاعران و خوانندگان اشعار حیات دارند.

در شعر شیوه های بیانی بسیار متنوع است. این تنوع در شیوه های تصویرسازی با کلمات چه در محور افقی و چه در محور عمودی آن را می توان با شگردهای تصویر سازی در سینما مقایسه کرد. برای روشن شدن این نکته مثالی از شاعر محبوس فارسی، مسعود سعد سلمان آورده می شود، تا با کمک این شعر کمی از ظرایف ناگفته تصویرسازی در شعر فارسی روشن تر گردد؛ برای این منظور، شیوه تحلیل بصری برای فیلمنامه و به ویژه روشی که در مورد تحلیل و تقطیع تصاویر سینمایی استفاده می شود کارآمد است.

شادان همی نشیند و غافل همی رود  
پندارد اوست ساکن و ساحل همی رود

آگاه نیست آدمی از گشت روزگار  
ماند بر آن که باشد در کشتی روان

این ابیات در کتاب «بیان» ذیل مبحث تشبیه تمثیل آمده و به عنوان نمونه تشبیه تمثیل ذکر شده است. تشبیه تمثیل، تشبیه مرکبی است که مشبه به آن جنبه مثل یا حکایت داشته باشد. در این نوع تشبیه مشبه امری معقول و مرکب است که برای اثبات آن مشبه به ای مرکب و محسوس ذکر می شود. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۰۴)

آگاه نبودن آدمی از گذشت زمان: امری معقول و مرکب، تعمیم به همه آدمیان، مشبه و ایده اصلی برای آفرینش تصویر در این شعر است که شاعر را برای یافتن ما به ازای حسی و ملموس آن سوق داده است؛ در مثنوی نیز مشابه چنین تصویری برای بیان فرافکنی جهل و غفلت ذکر شده است:

کل را بر وصف خود بینی غوی  
خانه را گردنده بیند منظرت  
ساحل یم را همی بینی دوان (۲۳۷۰-)

چون تو جزو عالمی هر چون بوی  
گر تو بر گردی و بر گردد سرت  
ور تو در کشتی روی بر یم روان

(۴/۲۳۶۸)

- نشستن آدمی بر کشتی و تصور او به این که او ساکن است و ساحل در حرکت: مشبه به، توهم حرکت که ناشی از خطای ادراک بصری (Hallucination) است و تمام انسانها را شامل می شود.
- وجه شبه مرگب و معقول، غفلت حاصل از توهم
- تشبیه در ژرف ساخت خود «سیالی زمان» را به «کشتی روان» و «انسان غافل» را به «مسافر شادمان کشتی» مانند کرده است.
- عناصر اصلی در شکل گیری این تصویر «حرکت» (Movement) و به طبع آن «دیدگاه» (Point View Of) است که تلفیق این دو توهم حرکت را ایجاد می کند. حرکت هم در درون تصویر و هم در برش هر نما نقش کلیدی دارد. دو دیدگاه متفاوت و کنش زا در این تصویر وجود دارد، یکی دیدگاه شاعر (راوی/ دوربین) و دیگر دیدگاه مسافر کشتی که خواننده شعر نیز در هر دو منظر مشارکت دارد. عامل تضاد در این موقعیت اشراف شاعر بر غفلت زدگی آدمی با جهل انسان و بیخبری اوست.
- زاویه دید در تمام نماها هم تراز چشم (eye level lange) است. یعنی تصویر در ارتفاع چشم انسان از سطح زمین، مشاهده می شود.
- با تقطیع معمول در سینما این تشبیه دارای چندین نمای متنوع است:

#### شادان همی نشیند و غافل همی رود

۲ ۱

#### آگاه نیست آدمی از گشت روزگار

ایده اصلی شکل گیری تصویر

#### پندارد اوست ساکن و ساحل همی

۵ ۴

#### ماند بر آن که باشد در کشتی روان

۳

رود

۱. نمایی است کوتاه از نظر زمانی (Take Short) و از نظر قاب بندی یک نمای بسته و نزدیک (Close up) از فرد. در نمای نزدیک است که می توان حالت چهره و رفتار فرد را که ناشی از احساس درونی اوست نشان داد. در سینما این نما سر و شانه شخص را شامل می شود. همچنین این نما در حرکت (moving cut) برش خورده است؛ یعنی سوژه اصلی در کادر (فرد شادمان) حین نشستن نشان داده می شود و به نمای بعدی قطع می شود.
۲. این نما مختصات نمای پیشین را دارد با این تفاوت که حرکت در این نما مربوط به سوژه اصلی نیست، بلکه با توجه به نمای بسته آن، حرکت با جهت گیری دیدگاه شاعر/ دوربین توأم شده است. در این دو نمای آغازین شاعر از «ایهام» نیز در طرح تصویرش بهترین استفاده را برده است. از سویی نشستن و سوار شدن به کشتی ارتباط دارد و هم از سویی دیگر، گذراندن زندگی غافلانه آدمی را تداعی می کند.

۳. در نمای سوم کادر تصویر از سوژه اصلی/فرد به نمای باز یا عمومی (Long shot) توسط ادوات تشبیه گذر می‌کند. در نمای باز شخص و بخشی از محیطی که در آن حضور دارد دیده می‌شود و در این نوع نماست که اطلاعاتی در مورد شخصیت و رابطه اش با محیط در معرض تماشاگر گذاشته می‌شود. این نما بیانگر دیدی عینی از وضعیت موجود است. شاعر در این نما بر روان بودن کشتی تأکید می‌کند تا در نمای بعدی از تفاوت دو دیدگاه در جهت قطعیت بخشیدن به ایده اصلی خویش کمال استفاده را برد. نما با چرخش دیدگاه شاعر/دوربین به طور افقی به چپ یا راست، حول محور ثابتی می‌چرخد که با این کار حرکت شخصیت را در چشم انداز وسیع، تعقیب می‌کند.

۴. در این نما شکل‌گیری تصویر توهم حرکت کلید می‌خورد. فعل «پنداشتن» بسیار به جا آمده است، هم با معنایی که القا می‌کند و هم تقدّم آن بر دیگر اجزای جمله، تأکید و تناسب کاملی با مفهوم اصلی تصویر دارد. دیدگاه فرد و نمای ذهنی او در این جاست که به نمای باز و گسترده تر (Extreme Long Shot) تبدیل می‌شود. محیط پیرامون او از منظر او به نمایش در می‌آید و خواننده نیز در این تصوّر با او سهیم می‌شود، چراکه این تصور تجربه مشترکی است.

۵. این نما به دنبال نمای پیشین و همچون نماهای دیگر در حرکت برش خورده است. ایجاد توهم حرکت محیط و سکون فرد از دیدگاه او صورت می‌گیرد، ساحل در پس زمینه متحرک و فرد و کشتی در پیش زمینه ساکن فرض می‌شوند؛ مسافت و فاصله کانونی و وضوح عمیق (Deep Focus) در متحرک جلوه دادن پس زمینه تأثیر گذارند. همچنین بکار بردن فعل «همی رود» نیز استمرار در حرکت را تقویت می‌کند و بر انجام فعل تأکید دارد.

زمان در این تصویر شعری تداوم و استمرار دارد که این باعث شده تا انسجام زمانی و مکانی در آن حفظ شود. هر نما در تداوم نمای قبلی و تکمیل کننده آن است. همچنین این ترتیب و تکوین در نوع نماها از لحاظ اندازه نیز حفظ شده است، از نمای نزدیک به نمای دور و از نمای دور به نمای بسیار دور.

در سینما نیز برای بیان اندیشه و دریافت مشابه مسعود سعد راه‌های مشابهی وجود دارد. از دو دیدگاه متفاوت، امری واقعی را در یک موقعیت یکسان نشان می‌دهد و با این شیوه تقابل یا اختلاف دو نظر و عقیده نمایان می‌گردد. نمای ذهنی شخصیت و نمای راوی/دوربین به شکلی تداومی ولی با عناصر کاملاً متضاد نشان داده می‌شود. به طور مثال عبور شخصیتی ترسو یا بدبین در معبری شلوغ، بوسیله دو دسته از عناصر متفاوت طوری فضا سازی شده که تمایز هر دیدگاه کاملاً القا می‌شود. مانند صداهای گوش خراش و آزار دهنده، خیره شدن انسانها به او درحین عبور از کنارش با سایه های کشیده که گویی به سوی او هجوم می‌آورند، همگی در دیدگاه او و نمای ذهنی اش گرفته می‌شود؛ و در مقابل با نمای ناظر یا راوی که عبور مردم را با حذف تمام اغراقهای بکار رفته شده که در دیدگاه شخصیت نمایان بود، نشان می‌دهد.

مشخصه مهم دیگری که در شعر مذکور دخیل است، تأکید بر غفلت انسان بوسیله خطای ادراکی او و احساس توهم حرکت محیط و سکون خویش است. برای ایجاد این حس غیر واقعی در سینما نیز مثل شیوه تصویری در شعر بخشی از پس زمینه درکادر دیده می شود. سوژه با دوربین در جهت، سرعت و حفظ فاصله در هماهنگی کامل است. مثالی که برای ایجاد این حس در حرکت می توان ذکر کرد، نمایی است از فیلم *آژانس شیشه ای* (ابراهیم حاتمی کیا، ۱۳۷۶) که در آن با وحدت حرکت دوربین و شخصیت اصلی فیلم (حاج کاظم) در پیش زمینه کادر و جمع افراد داخل آژانس در پس زمینه توانسته عمق و فاصله فکری و اعتقادی او با مردم آسایش طلب را به خوبی القا کند. با این تمهید توانسته است این فاصله پدید آمده ای را که مردم در پی دنیا طلبی از آرمانهای گذشته و مشترک او باعث شده اند را به تصویر بکشد. البته این تمهید برای القای مفاهیم متنوعی چون احساس سر در گمی، سرگیجه و یا تأکید بر تقلای بی فایده کاربرد دارد. ولی باید متذکر شد که برای سینما نیز مانند دیگر هنرها محدودیتی برای استفاده از ابزار و یا کشف راههای تازه برای بیان مفاهیم ذهنی وجود ندارد. زبان تصویری از کارآمدترین شیوه بیان ذهنیت و انتقال احساس و حالات درونی است.

نتیجه:

نکاتی که در مورد نقد و تحلیل تصاویر شعری گفته شد، مؤید این نکته است که تا چه حدودی می توان روند شکل گیری تصویر شعری را با سینما مقایسه کرد و وجود مشابهت های شیوه خلق تصویر در ذهن شاعر و فیلمساز تا چه حدی می تواند به هم نزدیک باشد. ولی آنچه که تمایز این تصاویر را باعث می شود ماهیت آنها در عرضه و نمایش است تصاویر شعری در اکران ذهنی تماشا می شوند. خواننده با ایجاد ارتباط با شعر در خیال خویش در دنیای شاعر سهیم می شود. این تصاویر بصری یا دیداری نیستند یعنی با چشم سر دیده نمی شوند و تنوعی به تعداد خوانندگان شعر دارند؛ چراکه هر کس فراخور قوه مخیله خویش و توانایی ادراک خیال خود و حتی بنا بر ذوق و تمایزش به دنیای تصویری شاعر نزدیک می شود. ولی در سینما تصاویر به نمایش درآمده کاملاً عینی، دیداری و حسی هستند و کاملاً تثبیت یافته اند یعنی صورتی مشخص و معین از بازتاب ذهنی سینماگر است که در معرض دید دیگران قرار گرفته است. سینماگر (به ویژه فیلمنامه نویس) برای انتقال و تبدیل و به عبارتی، برای تکوین آفرینش آنچه در ذهنش نضج گرفته است، بطن واژه ها را می کاود و با تعبیرپذیرترین شیوه کاربرد واژه ها، به بیان تصویری داستانش دست می زند. فیلمنامه نویس برای به تصویر کشیدن آنچه در خیالخانه ذهن او رخ داده است، دست به نوشتن می برد؛ فیلمنامه در حقیقت نسخه مکتوب فیلم (Movie script) است که شگردهای تصویرسازی را در متنی منثور تعبیه کرده است با این تفاوت که فیلمنامه مهتر از آثار ادبی نیست، و هم به طور واضح تمامی تمهیدها و شیوه های سینمایی را نشان نمی دهد، بلکه با تحلیل عمیق و تعمق در آن است که می توان به این درک از متن سینمایی رسید.

فیلمنامه کارکردی و مخاطبی خاص دارد. فیلمنامه برای فیلم شدن متولد می شود و خواهان کارگردانی است که در سینما به او موجودیت و حضور ببخشد. اما باید به این نکته توجه داشت که «شیوه تحلیل

فیلمنامه، مثل نوشتن، کاری آنچنان شخصی است که در آن قاعده و قانون نقش اندکی دارد» (کاتز، ۱۳۸۹: ۲۸۲) ولی آنچه مسلم است تمام توجه باید معطوف به یافتن جوهره اساسی هر صحنه باشد. اشراف برجسته های بصری روایت و نحوه بیان تصویری در هر فراز از متن برای شروع کار فیلمساز ضروری است؛ چراکه با اکتشاف همین ویژگی های بنیادی و زرین فیلمنامه است که به خلق عینی تصاویر بر پرده نقره ای سینما می توان نائل شد.

پس بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که نقطه مشترک و تلاقی، شیوه تصویرسازی هنرمند است؛ هنرمندان چه در کسوت شاعر و ادیب باشند و چه همه دنیا را از دریچه دوربین ببینند، در مرحله ای از آفرینش هنری بر سر یک خوان حاضر می شوند. تصویر شعری و تصویر سینمایی در مرحله خلق ذهنی از منابع و ذخایر مشترکی تغذیه می کند. تجربه و سواد بصری، عاطفه و احساس و تخیل، ذهنیت تصویری مشابهی را از جهان پیرامون هنرمند پدید می آورد. شعر کلام مخیلی است که از کشف رابطه ای جدید بین اشیاء، تجربه ها و دریافت ها حکایت می کند و تصویر سینمایی، نمود عینی همان مکشوفات سینماگر است.

کتابنامه:

- آوینی، سید مرتضی (۱۳۷۵) «*حکمت سینما*» بنیاد سینمایی فارابی، تهران، چاپ اول
- اشکلوفسکی، ویکتور (۱۳۷۷) «*ادبیات و سینما*» ترجمه فرزانه سجودی، سینما و ادبیات، فارابی، دوره هشتم شماره سوم، صص ۱۸۰ تا ۱۹۱
- امید، جواد (۱۳۶۸) «*ایماژ و ایماژسازی در هنر*» چیستا، شماره پنجم، صص ۲۱۹ تا ۲۳۷
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹) «*گامی بلند در زیبایی شناسی شعر فارسی*» چیستا، شماره ۷۰، صص ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۸
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰) «*ساختار تفکر هنری*» قسمت اول، چیستا، شماره ۸۱، صص ۲۴۲ تا ۲۵۶
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰) «*ساختار تفکر هنری*» قسمت دوم، چیستا، شماره ۸۲ و ۸۳، صص ۲۸۳ تا ۲۹۷
- برت، آر.ال (۱۳۸۹) «*تخیل*» ترجمه مسعود جعفری، تهران، نشر مرکز، چاپ، چهارم
- جیکنز، ویلیام (۱۳۸۱) «*ادبیات فیلم: جایگاه سینما در علوم انسانی*» ترجمه محمد تقی احمدیان، شهلا حکیمیان، سروش، تهران، چاپ سوم
- خسروی، رکن الدین (۱۳۶۸-۶۹) «*ایماژ و ترکیب بندی کمپوزیسیون در سینما و تئاتر (گذری در جهان کارگردانی)*» چیستا، شماره ۶۶ و ۶۷، صص ۹۴۹ تا ۹۵۳
- داد، سیما (۱۳۸۷) «*فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی (تطبیقی و توضیحی)*» مروارید، تهران، چاپ چهارم
- روشن ضمیر، امید (۱۳۵۸) «*سینما از نظر چند نویسنده*» تهران، انتشارات پیام

- شفيعى كدكنى، محمد رضا (۱۳۷۵) «*صور خيال در شعر فارسي*» آگاه، تهران، چاپ ششم
- شميسا، سيروس (۱۳۷۴) «*بيان*» انتشارات فردوس، تهران، چاپ پنجم
- کاتز، استيون دى (۱۳۸۹) «*نما به نما، کارگردانى فيلم: از تصوير ذهنى تا تصوير سينمايى*» ترجمه محمد گذرآبادى، بنياد سينمايى فارابى، تهران، ۲ جلد، چاپ دوم
- مولانا محمد بلخى، جلال الدين (۱۳۷۱) «*مثنوى معنوى بر اساس نسخه رينولد نيكلسون*» مرکز نشر دانشگاهى، تهران
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵) «*کليات ديوان شمس*» مطابق نسخه تصحيح شده بديع الزمان فروزانفر، نشر راد، چاپ اول
- هاشمى، سيد محسن (۱۳۷۸) «*ز ذهنيت تا عينيت در سينما*» آهوان، تهران، چاپ اول
- هيوارد، سوزان (۱۳۸۸) «*مفاهيم کليدى در مطالعات سينمايى*» ترجمه فتاح محمدى، نشر هزاره سوم، زنجان، چاپ سوم
- Myers, Jack Elliot & Wukasch, Pan.C: *Dictionary of Poetic Terms*, University Of North Texas Press, Denton Texas ۲۰۰۳
- Seineuret, Jean Charles: *Dictionary of Literary Themes and Motifs*, Greenwood Publishing Group, West Port, ۱۹۸۸, Volume ۱

يادداشتها:

<sup>۱</sup> - دهخدا، لوح فشرده لغت نامه، ذيل خيال؛ راغب اصفهانى، لوح فشرده تراث، المفردات فى غريب القرآن، ص ۳۰۴.

يادداشتها:

- در مباحث هستى شناسى، عالم خيال حد وسط عالم مجردات و عالم محسوسات است و داراى وسعتى فزون تر از ديگر عوالم است. عالم خيال از نظر حکما و عرفا عالمى است واقعى و حقيقى. عالم خيال در حوزه معرفت شناسى و ادراک خيالى نيز مبحث گسترده اى دارد. براى مطالعه در اين زمينه رک: دکتر اصغر دادبه، (۱۳۶۷) «عالم خيال و خيال معشوق» کيهان فرهنگى، سال پنجم، شماره دوم، ص ۸ تا ۱۱، دکتر غلامحسين ابراهيمى دينانى، (۱۳۸۱) «عالم خيال» خردنامه صدر، شماره ۲۸، ص ۱۳ تا ۱۸.

<sup>۱</sup> - دهخدا، لوح فشرده لغت نامه، ذيل خيال؛ راغب اصفهانى، لوح فشرده تراث، المفردات فى غريب القرآن، ص ۳۰۴.

۴ - Seineuret, Jean Charles: *Dictionary Of Literary Themes And Motifs*, Volume ۱, page ۲۵۷-۲۴۸ - Myers, Jack Elliot & Wukasch, Pan.C: *Dictionary Of Poetic Terms*, page ۶۱۰-۵۷.

۶- که خلیل حق که دستش همه سال بت شکستی به خیال

## شهید مدافع حرم پاسدار تکاور محمد ظهیری

### [زندگینامه شهید مدافع حرم پاسدار تکاور محمد ظهیری](#)

#### بسم رب الشهداء والصدیقین

تکاور پاسدار ستوان سوم شهید محمد ظهیری در خانواده مذهبی در روز ۱۰ بهمن ماه سال ۶۸ در محله منبع اب اهواز چشم به جهان گشود، پدر وی جانباز ورزمنده ۸ سال دفاع مقدس پاسدار رمضان ظهیری است. شهید فرزند سوم خانواده بودند که دوران دبیرستان خود را در هنرستان شوراب در رشته ی کامپیوتر تحصیل نمودند و عضو کانون پرورشی هنری مسجدسیدالشهدا ع بودند که در سال ۸۷ به عضویت سپاه پاسداران یگان تکاور صابریین تهراندر آمدند که چند سالی در تهران به انجام وظیفه مشغول بودند سپس به یگان صابریینتیب زرهی حضرت حجت کلانشهر اهواز منتقل و انجام خدمت میکردند.

شهید محمد ظهیری در عملیات های نبرد با پژاک در شمال غرب (قلعه های جاسوسان) همچنین اشرار شرق در سیستان و بلوچستان حضور فعال داشتند و در این عملیات ها بسیاری از همزمان خود را که به فیض شهادت نایل آمدند از دست دادن، شهیدمحمد ظهیری از قافله شهادت ودوستان شهید خود جا نماندن ودر ظهر اول ایان سال ۹۴ مصادف با ظهر تاسوعای حسینی در شهر حلب سوریه ودر نبرد با جبهه ی تروریستی و تکفیری داعش و جبهه النصره و برای دفاع از حرم عقيله اهل البیت حضرت زینب ساز ناحیه سر وگردن مورد اصابت تیر قرار میگیرند و به درجه رفیع شهادت نایل آمدند پیکر پاک و مقدس شهید مدافع حرم ستوان سوم محمد ظهیری در روز جمعه ۸ ایان در حرم علی بن مهزیار اهوازی و در جوار ۸ شهید گمنام دفاع مقدس به خاک سپردهوزیارتگاه عاشقان و دلدادگان به ابا عبدالله ع می باشد.

(محمد جان روحت شاد و راهت پر رهرو باد)



مطلب پشت جلد:

الفصلية العلمية، الثقافية و التعليمية لمدرسة ولي العصر عجل الله

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم:

«لا تمار احاک و لا تمازحه و لا تعده موعدا فتخلفه»

با برادر ایمانی خود بجدال و ستیز برنخیز، و با او مزاح و شوخی نکن و هرگز وعده‌ای که به آن وفا نمی‌کنی با او درمیان نگذار.

آداب تعلیم و تعلم در اسلام

دکتر سید محمد باقر حجتی



